

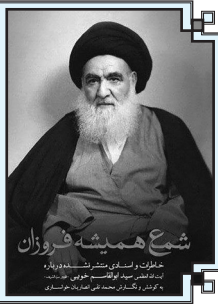
«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد ... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



شمع همیشه فروزان

خاطرات و اسناد منتشر نشده درباره آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی (ره)



شمع همیشه فروزان
خاطرات و اسناد منتشر نشده درباره آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی (ره)

سال سی و هشتم ♦ شماره ۵ ♦ شماره مسلسل ۱۵۴۷ ♦ نیمه اول خرداد ماه ۱۳۹۶ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

در پیامی به مناسبت انتخابات ۲۹ اردیبهشت صورت گرفت قدردانی رهبر معظم انقلاب از حضور پرشور و گسترده مردم در انتخابات

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای، در پی حماسه باشکوه و تاریخی ملت در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و پنجمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی پیام تشکر و قدردانی خطاب به مردم ایران صادر کردند.

متن پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت عزیز ایران

جشن حماسی انتخابات دیروز، بار دیگر گوهر درخشان عزم و اراده‌ی ملی را در برابر چشم جهانیان به جلوه آورد. مشارکت گسترده و پرشور شما، و هجوم مشتاقانه به مراکز رأی‌گیری، و تشکیل صفهای طولانی برای رسیدن به صندوق‌های رأی در همه جای کشور، و از همه‌ی قشرهای اجتماعی، نشانه‌ای آشکار از استحکام پایه‌های مردم‌سالاری اسلامی و دلبستگی همگانی به این موهبت بزرگ پروردگار بود و ایران و ایرانی را در آزمون میدان عمل، سرافراز و روسفید کرد.

دیروز با این حضور متراکم و افکندن بیش از چهل میلیون برگه رأی در صندوقها، نصاب تازه‌ای در انتخابات ریاست جمهوری پدید آمد و پیشرفت روزافزون ملت ایران را در عرصه حضور و بروز قدرتمندانه نشان داد.

ایران اسلامی بار دیگر بدخواهان و کین‌ورزان و حسودان را عقب‌نشاند و دل دوستان و تحسین‌کنندگان خود را لبریز از شادی و افتخار کرد.

پیروز انتخابات دیروز، شما مردم ایرانید و نظام جمهوری اسلامی است که به رغم توطئه و تلاش دشمنان، توانسته است اعتماد این ملت بزرگ را به طور فزاینده جلب کند و در هر دوره درخشش تازه‌ای نشان دهد.

آزمون برجسته دیروز تنها مشارکت گسترده نبود، آرامش و متانت و نجابت شرکت‌کنندگان که امنیت انتخابات را تضمین کرد، نیز بخش مهمی از این آزمون خیره‌کننده بود. همه قشرها، همه سلیقه‌ها، همه گرایشهای سیاسی در کنار هم به صحنه آمدند و دوشادوش یکدیگر به نظام جمهوری اسلامی رأی دادند.

اینجانب با خشوع در برابر خدای بزرگ، جبهه سپاس بر خاک میسایم، و لطف و رحمت و پاداش شایسته برای ملت ایران مسئلت می‌نمایم و به پیشگاه حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه عرض سلام و اخلاص می‌کنم و نکاتی چند را متذکر می‌شوم:

۱. به مردم عزیز، عرض می‌کنم خدای را بر موفقیت در برگزاری انتخابات شکر گزارید و پس از التهاپ روزها و هفته‌های پیش از انتخابات، اکنون به اتحاد و اتفاق عمومی بیناندیشید که بی‌شک یک عامل مهم استحکام و اقتدار ملی است. همه در زیر سایه نظام جمهوری اسلامی و فرزندان این میهن سرافرازید، یکوشید تا سهم خود از وظیفه پیشبرد کشور به سمت هدفهای بزرگ را بشناسید و دنبال کنید. برآمدن همه آرزوهای ملی در گرو چنین اندیشیدن و چنین عمل کردن است.

۲. به رئیس‌جمهور محترم و همه کسانی که در دولت آینده شرکت خواهند داشت سفارش و تأکید می‌کنم که کار و تلاش پرانگیزه و اندیشیده و جوانانه را برای برطرف کردن مشکلات کشور در پیش گیرند و لحظه‌ای از این خط مستقیم غفلت نکنند. رعایت قشرهای ضعیف، توجه به روستاها و مناطق فقیر، در نظر گرفتن اولویت‌ها، برخورد با فساد و با آسیب‌های اجتماعی، باید در صدر برنامه‌ها قرار گیرد.

۳. عزت ملی و رعایت حکمت در ارتباطات جهانی و اهتمام به اقتدار بین‌المللی نیز از جمله‌ی اولویت‌های مدیریت انقلابی و اسلامی است.

۴. لازم می‌دانم از یکایک آحاد شرکت‌کننده در انتخابات و نیز کسانی که در ترغیب آنان به این وظیفه نقش آفریدند تشکر کنم. بویژه مراجع معظم و علماء اعلام و نخبگان دانشگاهی و سیاسی و فرهنگی و هنری.

۵. لازم می‌دانم از حضرات نامزدهای ریاست جمهوری نیز که در این روشنگری و شورآفرینی برای انتخابات تأثیر جدی بر جای نهادند تشکر کنم.

۶. لازم می‌دانم از همه دست‌اندرکاران اجراء و نظارت انتخابات ریاست جمهوری و نیز انتخابات شوراهای شهر و روستا که متحمل زحمات طاقت‌فرسا شدند تشکر کنم.

۷. لازم می‌دانم از حافظان امنیت انتخابات و نیز از رسانه ملی که انتخابات پرشور، مرون تلاش شبانه‌روزی و هنرمندانه‌ی آنان است سپاسگزاری کنم.

۸. در پایان، خود و همگان را به تقوا و تلاش در راه وظیفه الهی و اجتماعی و پایبندی به مسیر انقلاب که میراث ارزشمند امام خمینی بزرگ و شهدای گرانمایه است دعوت می‌کنم و شادی روح و علو درجات آنان را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله

سید علی خامنه‌ای / سی‌ام / اردیبهشت‌ماه / ۱۳۹۶

گفتاری از امام موسی صدر

عبادت و عبودیت



صفحه ۵

دبیرکل حزب الله:

تمام تاریخ سعودی تکفیر مسلمانان و تاریخ ایران تقرب مذاهب است



صفحه ۷

سید هادی خسروشاهی

یادی از حاج سراج انصاری



صفحه ۴

سید عبدالملک الحوثی:

رژیم منافق سعودی به دنبال سلب اراده امت اسلامی است



صفحه ۲

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

اخلاق، گمشده جامعه امروز ایران است

فضیلت شاهد همنوایی جامع خواهیم بود و خشونت در آن جامعه جایی ندارد عامل اصلی مناقشه دوری از اخلاق است قرآن در موارد مختلفی به گفت‌وگو اخلاقی اشاره دارد که لازمه گفت‌وگوی مثبت دینی قبول تساوی حقوق برای تمامی افراد است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: گفت‌وگو باید عادلانه باشد یعنی طرفین برتری نسبت به هم قائل نباشند و به آداب توجه کنند و در گفت‌وگو علاوه بر سخن گفتن نیازمند شنیدن هم هستیم گفت‌وگو تنها محصول عقل جمعی جوامع است جامعه امروز می‌تواند با گسترش مبانی اخلاقی به کاهش آسیب‌های اجتماعی کمک کند.

صالحی امیری در ادامه با اشاره به اینکه سبک زندگی ایرانی و اسلامی را می‌توان در الگوی مصرف فرهنگی علایق اخلاقی هنری و دینی جست و جو کرد تأکید کرد: باید گفتمان سازی با استعانت از قرآن شکل گیرد و این گفتمان باید از سطح باور به عمق و از احساسات به عقلانیت حرکت کند و از شعار به شعور و از سطح خرد به سمت کلان جامعه حرکت کند، در چنین جامعه‌ای است که به تحقق ارزش‌ها در سطح ملی می‌رسیم.

وی افزود: وجدان کاری و تقویت کارگروه‌های جمعی و منطق‌گرایی از آثار سبک زندگی ایرانی و اسلامی است. افزایش سرمایه اجتماعی مشارکت و اعتماد عمومی اعتماد به نظام و رسانه‌ها و وحدت محصول سبک زندگی اسلامی است. باید آموزه‌های قرآنی به طور مستمر در جامعه جاری و ساری باشد.

صالحی امیری تأکید کرد: حضور نخبگان دینی و رسانه‌ها و نهادها و همه کانون‌های اخلاق و سبک زندگی می‌تواند برای رسیدن به جامعه اسلامی موثر باشد بنابراین با ایجاد نمادسازی اخلاق اسلامی را ترویج می‌کنیم.

وی در ادامه با اشاره به شعار نمایشگاه بین‌المللی قرآن گفت: پیام نمایشگاه قرآن را پیام ملی می‌دانیم و باید آن را تبدیل به گفتمان ملی کنیم. قرآن و اخلاق و زندگی که شعار نمایشگاه است باید در جامعه نهادینه شود باید برای رسیدن به سعادت به قرآن متوسل شویم.



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان اینکه انس با قرآن و به کارگیری مفاهیم قرآنی سبب جاری شدن اخلاق در جامعه می‌شود، گفت: ما باید اخلاق را در جامعه ترویج بدهیم چراکه اخلاق اکسیر نجات بخش جامعه است.

به گزارش ایسنا، سیدرضا صالحی امیری در مراسم افتتاحیه بیست و پنجمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم با بیان اینکه قرآن آیین تمام نمای فضایل و اخلاق عملی است اظهار کرد: با اخلاق عملی و صیانت از آموزه‌های قرآنی و اهل بیت (ع) است که می‌توان

مولفه‌های سبک ایرانی و اسلامی را در جامعه شاهد بود.

وی خاطر نشان کرد: انس با قرآن و به کارگیری مفاهیم قرآنی سبب جاری شدن اخلاق در جامعه می‌شود و مصادیق رعایت اخلاق در جامعه صداقت و راستگویی، وفای به عهد توجه به فقرا و زیردستان است امروز اخلاق گمشده جامعه ایران است و در واقع ضروری‌ترین نیاز جامعه امروز اخلاق و اخلاقتداری است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تأکید کرد: فرهنگ زیرساخت توسعه جامعه است جامعه بدون اخلاق راه به جایی نخواهد برد ما اگر می‌خواهیم آسیب‌های اجتماعی از جامعه رخت برپندد باید اخلاق را در جامعه ترویج بدهیم اخلاق بزرگترین سرمایه سیاست‌مداران است جامعه بدون اخلاق راه به جایی نخواهد برد.

صالحی امیری با بیان اینکه ما اگر می‌خواهیم از آسیب‌های اجتماعی رهایی یابیم باید اخلاق را ترویج کنیم چرا در جامعه امروز رویکرد اخلاق اجرا نمی‌شود و رویکرد قهرآمیز داریم. همسایه نسبت به همسایه بی‌تفاوت است دلیل آن افول اخلاق در جامعه است. صداقت، شفافیت و پرهیز از انگ‌زنی باید جز دغدغه‌های جامعه باشد و در این صورت اخلاق و انسجام در جامعه به وجود می‌آید. چرا در عرصه سیاسی تخریب رواج یافته و در عرصه اقتصادی تقلب و فساد رشد کرده است به دلیل افول اخلاق است.

وی اظهار کرد: گفت‌وگو نیاز جامعه امروز است و ما باید بر محور قرآن گفت‌وگو و فعالیت داشته باشیم لازمه گفت‌وگوی دینی قبول حق از سوی طرفین است. ما در جامعه دارای

تسنیم: سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵) پس از دو سال رفت و آمد جان کری به غرب آسیا و چهار سال تلاش های بی اثر هیلاری کلینتون، برای به فرجام رساندن پرونده فلسطین، هنگامی که اوباما از نتانیاهو و صهیونیست ها برای دستیابی به صلحی که به اجرای طرح دو دولتی منجر شود، نا امید شد، از فلسطین دست برداشت. دولت آمریکا پس از آن مشغول پرونده هسته ای ایران شد و تا پایان دولت اوباما، اقدامی در فلسطین انجام نشد. تنها چند روز مانده به پایان آن دولت، کنفرانس پاریس در روزهای آغازین سال ۲۰۱۷ برگزار شد که با بی توجهی ترامپ مواجه شد.

ترامپ و پرونده فلسطین

از زمانی که ترامپ رئیس جمهور آمریکا شد همه منتظر بودند ببینند چه طرحی برای فلسطین دارد. تبلیغات ترامپ، پیش از انتخابات آمریکا، از همراهی بیشتر وی با صهیونیست حکایت داشت و خوشحالی زاید الوصف صهیونیست ها در انتخاب ترامپ همگی دلالت بر این داشت که گویی صهیونیست ها موفقیت جدیدی را کسب کرده اند که از شدت هیجان نمی توانند خرسندی خود را پنهان کنند. در ادامه به شواهدی از خیز صهیونیسم بین الملل به سمت قدس اشاره می کنیم:

قدس، موضوع نخستین موضعگیری ترامپ در خصوص فلسطین

نخستین مسئله ای که از زمان تبلیغات انتخاباتی به یک بمب رسانه ای تبدیل شد این بود که ترامپ اعلام کرد اگر رئیس جمهور آمریکا شود، سفارت آمریکا را از تل آویو به قدس منتقل خواهد کرد. معنی این انتقال ساده بود. سفارت کشورهای خارجی همواره در پایتخت و مرکز حاکمیت قرار دارند و انتقال سفارت آمریکا به قدس به معنی به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت رژیم معجول صهیونیستی بود. هر چند ترامپ پس از رسیدن به مسند ریاست جمهوری همچون اسلاف خود انتقال پایتخت را در دو بازه ۶ ماه به تعویق انداخت اما حادثی که پس از آن رقم خورد و در سفر ترامپ به فلسطین اشغالی به اوج خود رسید حکایت از آن دارد که ترامپ و صهیونیست ها برای قدس برنامه ای جدید دارند و قدس به نقطه اول اقدامات صهیونیست تبدیل شده است.

خیز بلند صهیونیسم بین الملل به سمت قدس

های صهیونیست نشینی چون «آریئل» تلاش می کنند یک قدس بزرگ به وجود آورند که خالی از فلسطینیان باشد. صهیونیست ها برای ایجاد قدس بزرگ، توافقاتی چون اسلو و قطعنامه های سازمان ملل را زیر پا گذاشته اند و از خط سبز که مرز سرزمین های اشغالی و کرانه ی باختری محسوب می شود نیز دهها کیلومتر فراتر رفته اند.

نتیجه

اگر نگاهی به نخستین موضعگیری ترامپ در خصوص قدس و پس از آن اقداماتی که در سفر اخیرش به فلسطین اشغالی انجام داد ببینیم و به آن شواهدی چون اقدام پارلمان چک و طرح انفصال دو محله فلسطینی نشین را اضافه کنیم کمترین نتیجه ای که می توانیم به آن دست یابیم از این قرار است که صهیونیست ها خیز بلندی به سمت بلعیدن قدس برداشته اند و قدس در رأس اقدامات آنها قرار گرفته است. خطرناکی این طرح زمانی بیشتر می شود که بدانیم مخالفان دولت نتانیاهو نیز- که در برخی موارد همچون یک مانع مقابل دولت رژیم صهیونیستی قرار می گیرند- در این مسئله با وی همدستان شده اند.

اینکه قدس چه جایگاهی در جهان اسلام و فلسطین دارد بر همگان روشن اما آنچه از همه مهمتر است این است که قدس نوک پیکان مسئله فلسطین و نقطه ای است که بیشترین حساسیت در جهان اسلام نسبت به آن وجود دارد و مسلمانان حتی حاضر به از دست دادن نقطه ای از شهر نیستند.

یک هشدار جدی

اینکه مجموع این اقدامات باید محل دقت نظر کشورهای اسلامی و حامیان جهانی فلسطین قرار گیرد نخستین دلیل این نوشته برای نگارش و تلاش آن برای دادن هشدار جدی به آنان است اما نکته ی ثانویه ای که نباید از آن غفلت کرد، توجه به اقداماتی صهیونیست ها پس از این مرحله است. تجربه ی مبارزه با صهیونیسم و رژیم صهیونیستی نشان داده است که صهیونیست ها زمانی که دست به اقدامات این چنینی زده اند و با هوشیاری مبارزان عرصه مقابله با صهیونیسم مواجه شده اند به نوعی تلاش در بحران آفرینی کرده اند تا نگاه ها و توجهات را از مسئله ای که مد نظر همه ی حامیان فلسطین قرار گرفته است منحرف کنند. اینکه به زودی می توان منتظر مسئله و بحرانی جدید بود که مسئله قدس را کمرنگ کند امری بدیهی در عرصه مبارزه با صهیونیسم است که باید مد نظر همه ی آزادگان جهان و مبارزان عرصه ی مقابله با صهیونیسم قرار گیرد.



شرط، با فلسطینیان مذاکره کند. پارلمان چک در ادامه ی این اقدام خود قطعنامه ی یونسکو در به رسمیت نشاخن حقی برای یهودیان در مجموعه مسجدالاقصی را محکوم کرد و از دولت این کشور خواست، حق عضویت سالانه خود به این سازمان فرهنگی زیر مجموعه ی سازمان ملل را قطع کند. پس از این اقدام پارلمان چک، پراگ، پایتخت این کشور شاهد جشنی تحت عنوان «روز اورشلیم» بود که در کلیسای مسیحیان آنجلیکان برگزار شد. شبکه ۱۰ رژیم صهیونیستی در همین ایام از طرحی سری خبر داد که از سوی شورای امنیت ملی رژیم صهیونیستی پی گیری می شود. این شبکه رژیم صهیونیستی اعلام کرد شورای امنیت ملی به طور سری در حال پی گیری طرحی است که براساس آن اردوگاه فلسطینی شعفاط و محله ی «کفر عقب» را از حیث ساختار اداری از شهر قدس جدا کرده، آن را تحت حاکمیت شوراهای اطراف قدس قرار دهد. ۲ منطقه ی نامبرده بیش از ۱۴۰ هزار فلسطینی را در خود جای داده اند. با این اقدام صهیونیست ها عملاً ۱۴۰ هزار نفر از جمعیت فلسطینیان قدس کاسته می شود و تعداد آنها به کمتر از ۱۶۰ هزار نفر خواهد رسید و در مقابل یهودیان در اقلیت قرار خواهند گرفت. این شبکه ی صهیونیستی علاوه بر اینکه از حمایت نتانیاهو از این طرح خبر داد، اعلام کرد اسحاق هرتسوک، رهبر مخالفان دولت کنونی رژیم صهیونیستی نیز از اجرای این طرح ابراز خرسندی کرده است.

پروژه قدس بزرگ صهیونیست ها

صهیونیست ها سال ها است برای قدس طرح های دراز مدتی را در دست اجرا دارند. مهمترین طرح صهیونیست ها در این راستا، ایجاد قدس بزرگ است. از نوشته، پرداختن به این طرح نیست اما به طور مختصر در این خصوص کافی است بدانیم صهیونیست ها در طرح قدس بزرگ قصد دارند جدا کردن محله های فلسطینی نشین مثل شعفاط، کفر عقب و ابودیس و در مقابل آن الحاق آبَر شهرک

نخستین دیدار یک رئیس جمهور آمریکا از دیوار ندبه

با گذشت ۶۹ سال از زمان تأسیس رژیم معجول صهیونیستی با وجود آنکه آمریکایی ها نخستین کشوری بودند که این رژیم را به رسمیت شناخته اند و به عنوان یک همپیمان استراتژیک، تمام قطعنامه های علیه این رژیم را در شورای امنیت یا وتو کرده اند یا به گونه به تعلیق رسانده اند اما طی این ۶۹ سال هیچ گاه هیچ یک از رؤسایان جمهور آمریکا در زمان ریاست جمهوری از دیوار ندبه دیدار نکرده اند.

دیوار ندبه بخش جنوبی دیوار غربی مجموعه مسجدالاقصی است که به ادعای معجول صهیونیست ها این دیوار، تنها باقیمانده معبد دوم سلیمان است. ادعایی که تا کنون هیچ سند تاریخی در خصوص آن پیدا نشده است. صهیونیست ها در سال ۱۹۶۷ با تخریب یک محله فلسطینی (حی المغاربة)- که مقابل این دیوار قرار داشت- آن را به صحنی بزرگ برای عبادت یهودیان تبدیل کرده اند. این در حالی است که یونسکو که یکی از نهادهای زیرمجموعه سازمان ملل به حساب می آید و لابی هایی هم با آمریکایی ها دارد حتی یک وجب از مجموعه مسجدالاقصی را به عنوان یک مکان مقدس یهودی به رسمیت نشناخته است و آخرین بار در قطعنامه ای که به این مناسبت صادر کرد بر این مسئله تصریح کرد.

طی ۶۹ سال اشغال فلسطین، اگر هر یک از مقامات آمریکایی به دیدار یا زیارت این دیوار رفته اند پیش از ریاست جمهوری یا پس از آن بوده است. لذا دیدار ترامپ از این دیوار یک رکورد و امری کاملاً جدید به حساب می آید. اینکه ترامپ در دوره ریاست جمهوری خود به دیدار دیوار ندبه رفت، حکایت از این دارد که او مالکیت صهیونیست ها و ادعای واهی آنها در خصوص دیوار ندبه را به رسمیت شناخته است.

به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی از سوی پارلمان چک

دو روز پس از سفر ترامپ به فلسطین اشغالی در حالی که هنوز در ایتالیا به سر می برد، رسانه ها خبری را منتشر کردند که تحلیلگران فلسطین را در بهت فرو برد. روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحرونوت نوشت، پارلمان چک با ۱۱۲ رأی مثبت ۱۵۶ نماینده خود، قدس را به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی به رسمیت شناخت و از دولت این کشور خواست تا تأیید آن به عنوان قانون، رسماً آن را اعلام کند و از صهیونیست ها بخواهد بدون پیش

سید عبدالملک الحوثی: رژیم منافق سعودی به دنبال سلب اراده امت اسلامی است

ثابت کرده است.

رهبر جنبش انصار الله از امت اسلامی خواست تا همبستگی و همکاری خود را برای مقابله با قدرت های استکباری و ایادی منافق آنها تقویت کنند. وی همچنین خواهان تداوم حضور مردم در جبهه ها برای مقابله با متجاوزان اشغالگرو مزدوران خیانتکار آنها شد.

عبدالملک الحوثی بر تقویت وحدت صفوف ملت یمن تأکید کرد و در این راستا از اندیشمندان و عقلا یمن خواست تا یک گردهمایی وحدت گرا و برادرانه را در روز دهم ماه مبارک رمضان برگزار کنند.

وی گفت: ما بر موضع ثابت انسانی و اسلامی و ملی ملت خود در قبال مسئله مرکزی امت اسلامی یعنی مسئله فلسطین و مقدسات آن و همبستگی با اسیران فلسطینی تأکید می کنیم.

عبدالملک الحوثی افزود: ما همچنین بر همبستگی انسانی و اخلاقی خود را با ملت مظلوم فلسطین و علما ی سرشناس آنها و محکوم کردن جنایت های هولناک رژیم طاغوتی و جنایتکار این کشور علیه این ملت عزیز و مسلمان تأکید می کنیم.

منافق و اربابان استکباری آنها را نشان می دهد. این وضعیت در جریان سفر ترامپ به پادشاهی شیطان با همه قراردادهای و توطئه های همراه آن، خود را نشان داد. همه این قراردادهای و توطئه ها در راستای منافع آمریکا است و به طور قطع اسرائیل نیز از آن بهره می برد.

وی افزود: ترامپ در این سفر از تریبون عربستان، آزادگان مجاهد در فلسطین و لبنان را متهم به تروریسم کرد و از آنجا جلوی چشم دوربین ها به رژیم اسرائیل جنایتکار رفت تا همه جهانیان، آنچه ترامپ آن را احساس خوب سران رژیم سعودی در قبال اسرائیل خواند، ببینند و بشنوند.

عبدالملک الحوثی افزود: این وضعیت ایجاب می کند که ملت مسلمان و آزاده و عزیز ما از ماهیت نبرد خود با قدرتهای منافق آگاه باشد و با توطئه ها و تجاوزگری آنها با تمام توان خود با اکتال به خداوند سبحان مقابله کند.

وی گفت: ملت ما گزینه ای جز مسئولیت پذیری و حرکت جدی ندارد تا از یاری خداوند برخوردار شود؛ همانطور که این امر را پیروزیهای بدست آمده از لبنان گرفته تا غزه و سوریه و عراق و یمن استوار

راه انداختن درگیری با رویکرد طائفه ای، منطقه ای و دستاویزهای ساختی است. واقعیت امر این است که این قدرتهای منافق تنها مجری مقاصد آمریکا و اسرائیل برای تقسیم منطقه، قطع کردن پیوند امت اسلامی و تهی کردن آنها از امکانات، توانمندیهای و سرمایه های مادی و انسانی در جنگ های بیهوده هستند. این قدرتهای منافق در تلاش برای تغییر دادن رویکرد امت اسلامی از دشمنی با دشمنان آشکار خود و در صدر آنها اسرائیل به سمت دشمنی با کسانی است که با اسرائیل دشمن هستند. آنها همچنین مجری مقاصد آمریکا و اسرائیل برای بهره برداری از ملت های منطقه و بردن آنها زیر سلطه آمریکا و اسرائیل هستند.

عبدالملک الحوثی گفت: قدرتهای منافق می خواهند امت اسلامی را به گروهی سلب اراده شده و سرسپرده نیروهای شرارت و گمراهی تبدیل کنند. وی افزود: جنایت های هولناک علیه ملت مسلمان یمن و ملت های منطقه بویژه در بحرین و عراق و سوریه و قتل هزاران زن و کودک و از بین بردن ساختار زیربنایی زندگی آنها همه و همه به روشنی کامل، ماهیت اهداف شوم قدرت های

سید عبدالملک بدر الدین الحوثی رهبر جنبش انصار الله یمن در پیام تبریک خود به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان آورده است: من ماه مبارک رمضان - ماه خیرات و برکات - را به مردم مسلمان و عزیز یمن و همه مسلمانان تبریک و تهنیت می گویم.

وی خواستار بهره گیری مردم یمن از این ماه مبارک و پر خیر و برکت و تقویت ایمان خویش برای مقابله با همه چالش ها شد؛ بویژه که آنها با قدرت های طاغوتی و جنایتکار و در صدر آنها متجاوزان سعودی و آمریکایی روبرو هستند.

وی با اشاره به اینکه تجاوزگری رژیم سعودی به یمن زیر نظر و مدیریت مستقیم آمریکا انجام می شود، افزود: همه حوادث جاری در منطقه و در صدر آنها تجاوزگری آمریکایی - سعودی به یمن و مظلومیت ملت بحرین و آنچه در سوریه و عراق و سایر کشورها در جریان است، همه و هم دلایل روشن و حقایق آشکاری است که ماهیت و حقیقت قدرتهای منافق در منطقه را برملا می کند؛ قدرتهای منافقی که تنها هدف آنها خرابکاری و فتنه انگیزی و ویران کردن منطقه و از هم گسستن امت اسلامی و به

نهایت راهی جز عقب نشینی از این سیاست خصمانه خود نخواهد داشت. از آنجایی که این اقدام، با هرگونه قوانین بین المللی در تعارض است، بدون شک مقامات آل خلیفه باید خود را برای موج عظیمی از محکومیت های خارجی توسط سازمان ها و نهادهای حقوق بشری آماده کنند. در همین ارتباط، سازمان عفو بین الملل با صدور بیانیه ای با اعلام اینکه نظامیان رژیم آل خلیفه در حمله به منطقه الدراز، در توسل به خشونت، افراط کرده اند، تأکید کرد: «باید درباره وقایعی که اخیراً در منطقه الدراز به وقوع پیوسته است، تحقیقات مستقل و بی طرفانه ای انجام شود». از سوی دیگر، دیدبان حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز ضمن محکومیت شدید اقدام نظامیان رژیم آل خلیفه در یورش به منطقه الدراز، اعلام کرد: «این اقدام به مثابه سرکوب آزادی بیان در بحرین محسوب می شود».

در این میان، شاهد هستیم که مقامات رژیم آل خلیفه همچنان به طرح اظهارات ضد ایرانی که نشأت گرفته از توهّمات خودساخته ذهن آنهاست، ادامه می دهند. «علی بن محمد الرمیچی» وزیر اطلاع رسانی بحرین اخیراً ضمن تمجید از حمایت های بی دریغ آل سعود از آل خلیفه ادعاهایی را علیه ایران مطرح کرد. وی مدعی شد: «بحرین اجازه نخواهد داد که گروه های افراطی امنیت و ثبات آن را برهم بزنند و بحرین برخورد آهنین با کسانی که به دنبال برهم زدن امنیت کشور باشند خواهد کرد». الرمیچی با اشاره به اینکه امنیت خلیج فارس با امنیت عربی گره خورده است، آن را عاملی برای آنچه وی دخالت های ایران در منطقه خواند دانست. وی خواستار تلاش جامعه بین المللی برای مقابله با آنچه وی تروریسم ایرانی خواند، شد. اظهارات ضد ایرانی این مقام بحرینی درحالی است که جمهوری اسلامی ایران بارها به صراحت اعلام کرده است که در تحولات بحرین هیچ دخالتی ندارد. این مقام بحرینی تاکنون هیچ سند و مدرکی برای اثبات ادعاهای واهی خود علیه جمهوری اسلامی ایران منتشر نکرده است، چراکه اساساً سند و مدرکی در این زمینه وجود دارد. واقعیت این است که طرح چنین ادعاهایی درست در زمانی که بحرین شاهد تحولات سیاسی و میدانی پرتلاطمی است، با هدف دادن آدرس غلط به افکار عمومی در راستای انحراف آن، صورت می گیرد. مقامات بحرینی تلاش می کنند تا با فرافکنی علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران را عامل بی ثباتی های اخیر بحرین معرفی کنند؛ حال آنکه سرباز زدن آل خلیفه از جامه عمل پوشاندن به مطالبات و خواسته های مشروع انقلابیون و فعالان سیاسی بحرینی، مهمترین عامل ایجاد بی ثباتی و هرج و مرج در بحرین است.

در هر صورت، آنچه که واضح به نظر می رسد این است که رژیم آل خلیفه با شکستن خطوط قرمز انقلابیون و علمای بحرینی، آنها را نیز به شکستن خطوط قرمز در مقابل خود برای رویارویی با این رژیم، مجاز کرده است. از این پس، انقلابیون بحرینی برای مقابله با آل خلیفه هیچ حد و مرزی را در مقابل خود متصور نخواهند بود. بحران امروز بحرین، ناشی از بی تدبیری دیروز خاندان سلطنت طلب آل خلیفه است. اگر خاندان آل خلیفه به مطالبات مشروع مردمی جامه عمل پوشانده بودند، امروز شاهد وقوع چنین تحولات خطرناکی در بحرین نبودیم؛ تحولات خطرناکی که البته پیامدهای خطرناک تری برای مقامات آل خلیفه به دنبال خواهد داشت.

تداوم سرکوب شیعیان بحرین؛ همیشه پای «شیطان بزرگ» در میان است

پادشاه بحرین در جریان دیدار با ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در نشست سران عرب در ریاض از وی برای حمله به الدراز و منزل شیخ عیسی مجوز گرفت و موافقت دولت آمریکا را جلب کرد. وی افزود: «پادشاه بحرین پس از جلب موافقت آمریکا، دست به این حمله زد و در طول فقط ۲۴ ساعت عناصر رژیم آل خلیفه به منزل شیخ عیسی قاسم هجوم برده و ایشان را در حالت اقامت جبری قرار دادند. ما معتقدیم که آمریکا و کشورهای حاشیه خلیج فارس در تحولاتی که علیه شیخ عیسی قاسم و شهروندان بحرینی رخ می دهد، نقش دارند».

رژیم آل خلیفه با تعرض به شیخ عیسی قاسم در واقع، تمامی شیعیان بحرینی را مورد تعرض قرار داده است. پیشتر نیز شیعیان بحرین بارها اعلام کرده بودند که هرگونه تعرض به ساحت شیخ عیسی قاسم، تعرض به آنها خواهد بود، چراکه شیخ عیسی، رهبری شیعیان که اغلیت قریب به اتفاق ساکنان بحرین را تشکیل می دهند، برعهده دارد. گویا مقامات آل خلیفه گمان می کردند که با آغاز سلسله اقدامات خصمانه بی سابقه علیه انقلابیون بحرینی، موجی از ترس و وحشت بر صفوف آنها حاکم خواهد شد و انقلابیون دست از حمایت از شیخ عیسی قاسم و تداوم راه انقلاب خواهند کشید. با این حال، طی روزهای اخیر شاهد آن بودیم که مردم بحرین نه تنها از حمایت شیخ عیسی قاسم دست نکشیدند، بلکه آتش خشم آنها از اقدام وحشیانه آل خلیفه علیه شیخ عیسی بیش از پیش شعله ور شد. سلسله تظاهرات های گسترده و بی سابقه در نقاط مختلف بحرین از جمله در منطقه الدراز، خود گواه بر این مدعاست. قرار دادن شیخ عیسی قاسم تحت «اقامت اجباری» سیاستی است که دیر یا زود به شکست خواهد انجامید. با تداوم اعتراضات مردمی به وضعیت شیخ عیسی قاسم، رژیم آل خلیفه در



آل خلیفه مسبوق به سابقه بوده است، اما یورش اخیر این رژیم به الدراز بدون مقدمه صورت گرفت و همگان را غافلگیر کرد. به نظر می رسد که این حمله وحشیانه با دیدار «حمد بن عیسی آل خلیفه» پادشاه بحرین با «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا و محتوای دیدار آنها، بی ارتباط نبوده است. درست دو روز پیش از حمله به منطقه الدراز، پادشاه بحرین با رئیس جمهوری آمریکا دیدار کرد؛ دیداری که ترامپ در جریان آن خطاب به حمد بن عیسی گفت: «از این پس روابط میان منامه و واشنگتن عاری از هرگونه تنش خواهد بود». در همین ارتباط روزنامه آمریکایی «واشنگتن پست» می نویسد: «ترامپ در جریان دیدار با حمد بن عیسی آل خلیفه در شهر ریاض، به وی در خصوص حمایت واشنگتن از منامه در هرگونه اقدام علیه انقلابیون و علمای برجسته بحرینی اطمینان خاطر داده بود». بنابراین، پُر واضح است که سرکوب اخیر انقلابیون توسط آل خلیفه با چراغ سبز دونالد ترامپ اتفاق افتاده است.

در همین راستا، «یوسف ربیع» رئیس انجمن حقوق بشر بحرین درباره علت یورش و حمله ناگهانی نظامیان رژیم آل خلیفه به منزل رهبر شیعیان بحرین در منطقه الدراز واقع در غرب منامه پایتخت بحرین گفت: «حمد بن عیسی،

خبرگزاری مهر - رامین حسین آبادیان: پس از حدود یک سال از اقدامات سرکوبگرانه آل خلیفه علیه آیت الله عیسی قاسم و به تعویق انداختن دادگاه های محاکمه وی سرانجام روز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت رهبر شیعیان بحرین از سوی رژیم آل خلیفه و به اتهامات واهی به یک سال حبس و مصادره اموال به میزان ۳ میلیون دینار محکوم شد. دادگاه آل خلیفه اعلام کرده است که اجرای این حکم (یک سال حبس) به مدت

۳ سال تعلیق شده و پس از آن، قابلیت اجرا دارد. طبق این حکم، همچنین شیخ عیسی قاسم به پرداخت هزار دینار غرامت نیز محکوم شده است. با این حال، نظامیان رژیم آل خلیفه به صورت ناگهانی، به منطقه الدراز، محل سکونت شیخ عیسی قاسم یورش بردند. نظامیان آل خلیفه در جریان یورش وحشیانه به منطقه الدراز مرتکب جنایت های هولناکی شدند. آنها پنج جوان بحرینی را شهید و بیش از ۲۰۰ تن دیگر را به شدت زخمی کردند. علاوه بر این، بیش از ۳۰۰ نفر از انقلابیون و فعالان سیاسی بحرینی نیز در یورش وحشیانه آل خلیفه به منطقه الدراز، توسط نظامیان این رژیم بازداشت شدند. نظامیان رژیم آل خلیفه حتی حاضر به تحویل پیکرهای شهدای بحرینی به خانواده های آنها نشدند. مقامات این رژیم در اقدامی ضد انسانی و ضد حقوق بشری، پیکرهای شهداء را بدون غسل و کفن و در اوج مظلومیت، در مکان های دورافتاده دفن کردند. درحال حاضر، رژیم آل خلیفه شیخ «عیسی قاسم» رهبر عالی شیعیان بحرین را تحت «اقامت اجباری» قرار داده است.

حمله وحشیانه رژیم آل خلیفه به منطقه الدراز و منزل شیخ عیسی قاسم کاملاً غافلگیرانه و غیرمنتظره بود. هرچند که توسل به سیاست ها و رویکردهای وحشیانه و غیرانسانی در نزد رژیم

سرنوشت شاه ایران و صدام در انتظار آل سعود



کردند.

در شرایط کنونی آل سعود باید به این نکته پی ببرد که نقش او برای جبهه استکبار به مثابه یک گاو شیرده است و بدون تردید سرنوشت شاه ایران و صدام در آینده ای نه چندان دور در انتظارش خواهد بود. در مقابل باید گفت، تجهیز آل سعود از سوی آمریکا و استکبار جهانی فقط و فقط برای از بین بردن روحیه مقاومت و بیداری اسلامی در منطقه است؛ زیرا آن ها به این نکته پی برده اند که امروز اگر کشوری مانند ایران در جهان به عنوان یک قدرت برتر شناخته می شود، همه و همه برگرفته از روحیه مقاومت و بسیج مردمی آن است.

از این رو، رژیم بی شرم سعودی به پشتوانه همراهی آمریکا، وقیحانه در مقابل مسلمانان ایستاده و در یمن، سوریه، عراق و بحرین خونریزی می کند تا از گسترش این گفتمان ایران به سایر کشورهای اسلامی جلوگیری کند و از دین به عنوان یک ابزار استفاده می کند،

دکتر حسین شیخ الاسلام

آمریکا، انگلیس، فرانسه و برخی دیگر از کشورهای اروپایی سعی دارند با ایجاد جنگ های نیابتی در منطقه خاورمیانه و کشورهایی نظیر یمن، سوریه، عراق و بحرین به ایجاد تفرقه بین مسلمانان بپردازند و از رژیم آل سعود به عنوان برده بله قربان گوی خود در این درگیری ها استفاده می کنند و این رژیم بی کفایت نیز از هر گونه توحش و خونریزی استفاده می کند تا توجه اربابان خود را جلب کند و حتی در این باره از دین به عنوان یک ابزار نیز استفاده می کند.

از طرفی رژیم سعودی در حالی که دموکراسی و حق رأی در بیشتر کشورهای جهان پذیرفته شده است، اجازه نمی دهد که رؤیای مردم عربستان که شرکت در یک انتخابات و انداختن یک رأی به صندوق است، عملی شود و قصد دارد با حمایت و پشتیبانی متحدانش همچون آمریکا و انگلیس و ایجاد جنگ های مختلف در منطقه، ضعف حکومت داخلی خود را کتمان کند، اگرچه باید به یک نکته مهم نیز پی ببرد که دنیا در شرایط کنونی دیکتاتوری را پس می زند و آن را ناپود می سازد. زیرا یکی از دلایل پیروزی انقلاب اسلامی ایران این بود که مردم می خواستند سرنوشت کشور را از طریق دموکراسی و برگزاری انتخابات تعیین کنند و هنگامی که ترامپ به عربستان سفر کرد تمام رسانه های جهان نیز به این وجه تمایز بین ایران و عربستان اشاره

... پس از توقف انتشار دو مجله مذکور که دو عالم روحانی بزرگوار اداره‌اش می‌کردند، تبریز فاقد نشریه‌ای با محتوای دینی گردید؛ ولی در دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت (سال ۱۳۳۰) عالم محترمی به نام حجت الاسلام شیخ علی اکبر صحت که از دوستان همفکر حقیر بود، هفته نامه‌ای به شکل روزنامه با نام «حدید» منتشر ساخت که در واقع ناشر افکار حجت الاسلام صحت و گروه هوادارش بود. این هفته نامه که به شکل روزنامه چاپ می‌شد، نامش (حدید) را با آیه شریفه: «و انزلنا الحديد فیه بأس شدید» در قسمت بالای روزنامه مزین ساخته بود و جالب آنکه در ذیلش این بیت شعر ترکی هم آمده بود: ایران‌ه دمی‌ر آیه سنی گوندن ربیب الله/ طیاره نی‌گورسن اوچوری دینه ماشاء الله!

یعنی: خداوند آیه آهن را برای ایران نفرستاده است، تو وقتی که دیدی هواپیما در حال پرواز است، فقط بگو: ماشاء الله!

حجت الاسلام صحت هوادار سرسخت خودکفایی در زمینه صنعت و کشاورزی بود و خود در ساخت قطعات ویژه بعضی از ماشین آلات فعال بود و تولیداتی هم داشت که توسط فروشگاه ابزار و یراق «برادران طهماسبی» در معرض فروش می‌گذاشت. مرحوم صحت در واقع به دنبال يك نوع اقتصاد سالم وابسته به خود مردم ایران بود (اقتصاد مقاومتی) و در این زمینه خیلی فعالیت داشت. اما متأسفانه به علت عدم همکاری مسئولان مربوطه، کارش رونق نگرفت و هفته نامه «حدید» هم پس از چندماه انتشار به محاق تعطیل فرو رفت.

به این نکته همه باید اشاره کرد که اگرچه در تبریز، نشر مجله یا روزنامه‌ای با مدیریت يك عالم روحانی ادامه نیافت، اما در تهران و بعضی از شهرهای بزرگ عالمانی به نشر مجله و نشریه همت گماشتند که از آن جمله مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی سراج انصاری بود که علاوه بر تأسیس «جمعیت اتحادیه مسلمین ایران»، ماهنامه‌ای هم با عنوان «مسلمین» منتشر می‌ساخت که در واقع ارگان رسمی جمعیت بود و مقالات ارزشمندی از دانشمندان و علمای معروف در آن درج و منتشر می‌گردید. حاج سراج از فضلای تبریز بود که برای ادامه تحصیل به نجف رفت و پس از سالیانی به ایران بازگشت.

حاج سراج انصاری با چاپ ترجمه کتاب «الهیئه و الاسلام»^۱ مرحوم آیت الله سید هبه الدین شهرستانی، به فارسی تحت عنوان «اسلام و هیئت» و با ده مقدمه از ایشان، که در کاظمین به چاپ رسید، در ایران شهرت یافت و سپس در فعالیت‌های اسلامی، به‌ویژه در مسئله فلسطین و کشمیر و پشتیبانی از نهضت ملی شدن صنعت به رهبری آیت الله کاشانی، از پیشگامان بود. در مورد فلسطین، حاج سراج با همکاری شهید نواب صفوی دفتری برای پذیرش عضو، برای دفاع از فلسطین و قدس باز کرد که حدود ده‌هزار نفر اسم نویسی کردند، ولی دولت وقت اجازه سفر به آنها نداد.

حاج سراج انصاری چندین کتاب در پاسخ به یاهوهای احمد کسروی از دوستان سابق خود، منتشر ساخت و کتابی هم در رد فلسفه مادیگری (ماتریالیسم) منتشر نمود و سپس به احیای مجله «مسلمین» همت گماشت که در این برهه، این جانب نیز از نویسندگان آن بودم که با امضای «س. هتبریزی» تحت عنوان «پان اسلامیسم» مقالاتی در آن می‌نوشتیم که در صورت تکمیل، مجموعه آن مقالات، رساله جالبی را تشکیل خواهد داد.

حاج سراج انصاری در تهران، منطقه گلوبندک (نزدیک بازار) سکونت داشت و دفتر جمعیتش در همان منطقه در خیابان خیام بود و من هر وقت به تهران می‌آمدم، حتماً به دیدارش می‌رفتم و گاهی ناهار به آبگوشت، میهمانش بودم. او از مریدان

یادی از حاج سراج انصاری

سید هادی خسروشاهی

او هم می‌پرداخت و به همین دلیل دچار مشکلات عدیده‌ای شد و ناچار به «تبعید خود خواسته» گردید و به مشهد مقدس رفت و به فعالیت‌های همه جانبه خود از آنجا ادامه داد.

مرحوم حاج سراج به شرح داستان ادامه می‌داد که گفتیم: «او آقای حاج شیخ غلامحسین نبود؟ چون او فقط در تبریز آن نشریه را منتشر می‌ساخت!» مرحوم حاج سراج خندید و گفت: «نه، او آقا میرزا غلامحسین تبریزی بود...»

البته می‌دانیم که در تبریز یا اصولاً در آذربایجان به «شیخ» می‌گویند: «میرزا» و به «سید» می‌گویند: «میر»! این قصه را مرحوم حاج سراج برایم تعریف کرده بود و بعدها یعنی در همان سال ۱۳۳۳، در چند شماره از مجله «آئین اسلام» خلاصه آن را در ضمن مقاله «۲۲ روز در قم» نقل کرده است.

منظور از نقل داستان، نشان دادن ذوق و ذکاوت و استعداد ذاتی مرحوم حاج شیخ در تحصیل علوم و فنون بود و در همین راستا بود که به نشر مجله پرداخت و آن را در مشهد استمرار بخشید.

از آثار حاج سراج انصاری، این جانب کتابهای «شیعه چه می‌گوید؟»، «نبرد با بی‌دینی»، «دین چیست و برای چیست؟» را پس از ویرایشی کوتاه در سی سال پیش در تبریز، توسط کتابفروشی هاشمی، به دست چاپ سپردم که آثار ارزشمندی در ردّ شبهات دشمنان تشیع به ویژه کسروی‌ان بود و متأسفانه بعدها دیگر تجدید چاپ نشد.

مرحوم حاج سراج انصاری قم هم زیاد می‌آمد و پاتوقشان اتاقی در بیرونی منزل مرحوم آیت الله شریعتمداری و یا محل کتابفروشی عدالت، در خیابان ارم (نزدیک حرم) با مدیریت آقای حبیب الله ترکمنی از اعضای فعال فدائیان اسلام قم بود.

خاطراتی چند در کنار پدر

سابقه آشنایی و دوستی پدرم مرحوم با آیت الله شیخ غلامحسین تبریزی، به دوران اقامت ایشان در تبریز برمی‌گردد. در بحران مبارزه با استبداد رضاخانی و فشار و اختناق حاکم بر مردم کشور، به‌ویژه علما و روحانیون که در واقع رهبری مبارزه را نه چندان علنی، به عهده داشتند، با توجه به چگونگی برخورد آیت الله حاج شیخ غلامحسین تبریزی که با تندروی همراه بود، ایشان مجبور شد که به «تبعید خود خواسته» برود.

بعد از این ماجراها، مبارزه روحانیون با رژیم رضاخان و به‌ویژه در مسئله کشف حجاب اجباری، شدت یافت. رژیم جمعی از علمای برجسته و تأثیرگذار را دستگیر و به نقاط مختلف کشور تبعید کرد. پدرم نخست به سمنان اعزام شد و در آنجا به زندان افتاد و پس از چند ماه، به مشهد مقدس تبعید شد و مدت مدیدی آنجا به سر برد. آیت الله حاج شیخ غلامحسین تبریزی که آن وقت یکی از علمای برجسته مشهد به شمار می‌رفت، در دوران تبعید پدر، با ایشان بیشتر مانوس بود تا از تبعات تبعید کاسته شود. پس از فروکش شدن بحران، پدر به تبریز بازگشت؛ ولی حاج شیخ در مشهد ماندگار شده بود.

پدر پس از بازگشت به موطن اصلی، همه ساله يك ماه در فصل تابستان رهسپار مشهد مقدس می‌شد و در بالاخانه کوچکی که مرحوم آقا سید کاظم از خدام معروف حرم رضوی در کوچه مسجد گوهرشاد، موازات بازار معروف مشهد داشت، سکونت می‌کرد و دیدارهای علمایی و بازدیدها در طول يك ماه ادامه داشت و حقیر نیز به عنوان آخرین فرزند همراهش بودم و در دیدارها، چای می‌دادم و در بازدیدها پدر را همراهی می‌کردم.

حاج شیخ فقط يك بار به دیدن پدر نمی‌آمد و پدر نیز فقط يك بار به بازدیدش نمی‌رفت. در هر دیداری، اگر کسی از فارسی‌زبان‌ها در جلسه حضور نداشت، به زبان ترکی صحبت می‌کردند و حاج شیخ با لهجه خاص، با تن صدایی ویژه، حرف می‌زد و گاهی بحث

پدرم، مرحوم آیت الله حاج سیدمرتضی خسروشاهی بود و به گفته خودش مدت کوتاهی هم در نزد او تلمذ نموده بود و به احترام پدر، حرمت فرزند را داشت و داستان‌هایی هم در دوران اقامت خود در تبریز و برخورد با علمای آن برهه، نقل می‌کرد و از جمله روزی درباره مرحوم آقامیرزا غلامحسین تبریزی گفت: من در اوایل دوران طلبگی در مدرسه طالبیه تبریز مشغول تحصیل و در عین حال تدریس بودم؛ یعنی مثلاً اگر «شرح لمعه» را می‌خواندم، «حاشیه ملاعبدالله» (در منطق) و «شرح معالم» را در اصول تدریس می‌کردم. يك روز در مسجد خاله‌اوغلی، پس از مباحثه درسی، نوجوانی نرزد آمد و نشست و وقتی پرسیدم چه کار دارد، گفت: من در مدرسه جعفریه (که در کنار مدرسه طالبیه قرار داشت) خوشنویسی به طلاب یاد می‌دهم و چون خط خوبی دارم، معلم مشق شده‌ام؛ ولی علاقه مندم که خودم هم درس



طلبگی بخوانم. من هم تشویقش کردم و او به سراغ «جامع المقدمات» رفت و به آموختن کتاب صرف میر، پرداخت و به سرعت پیش رفت و شاید دو سه ماه بعد بود که باز نرزد آمد و گفت که می‌خواهد حاشیه ملاعبدالله را نزد من بخواند! تعجب کردم و گفتم: «از صرف میر تا حاشیه ملاعبدالله لااقل يك سال وقت لازم است و تو چگونه می‌خواهی منطق بخوانی؟» گفت: «در این دو سه ماه، همه کتابهای جامع المقدمات را خوانده‌ام، چون من يك کتاب را نمی‌خوانم، بلکه در هر روز از چندین کتاب درس می‌گیرم و مطالعه می‌کنم.» پرسیدم «یعنی روزی از چند کتاب درس می‌خوانی؟» گفت: «حدود ده یا دوازده کتاب!» خیلی تعجب کردم و پذیرفتم که برای امتحان هم که شده حاشیه ملاعبدالله را تدریس کنم و چند روز بعد دیدم واقعا مطالب منطق را می‌فهمد، او آن را تمام نکرده به سراغ معالم و اصول رفت و خود به تدریس جامع المقدمات پرداخت و به نظرم اگر او همین طوری پیش می‌رفت، شاید دو سه سالی نمی‌گذشت که می‌توانست منظومه حکیم سبزواری و یا حتی اسفار ملاصدرا را هم تدریس کند!

با همین استعداد و ذکاوت خدادادی، او دروس تبریز را برای خود کافی ندانست و به عتبات عالیات رفت و در کربلا و نجف از محضر و دروس مراجع و علمای بزرگ بهره‌مند شد و چند سالی نگذشت که به عنوان يك ملای باسواد با مقام علمی بالا در سطح اجتهاد به تبریز بازگشت و به تدریس و تعلیم علوم و تشکیل و یا حضور در هیأت‌های مذهبی، به فعالیت پرداخت و در همان زمان به نشر يك مجله ماهانه به نام «تذکرات دینانی» پرداخت، که این امر نوعی تابوشکنی بود که يك روحانی مدیر و ناشر يك مجله آن هم در تبریز، با آن تحجر فکری حاکم بر اغلب محافل دینی، بشود. او البته به مبارزات مخفی و آشکار با دیکتاتوری رضاخان و اعمال غیرم مشروع

بخش پایانی

فقهی یا اصولی مطرح می‌شد که طبعاً حقیر متوجه نمی‌شدم که چه می‌گویند و مستمع آزاد بودم! يك بار مباحثه آقایان طول کشید و من که خسته شده بودم، رفتم يك چای دیگر آوردم که مرحوم حاج شیخ متوجه موضوع شد و ضمن تشکر از من، گوشم را گرفت و کشید و گفت: «میرآقا خسته شد و حق هم دارد» و البته این گوش کشیدن خود، گویا در آن زمان‌ها نوعی ابراز محبت در محافل علمایی نسبت به افراد کوچک به شمار می‌رفت!

این سفر سالانه ادامه داشت تا اینکه پدر در فروردین ۱۳۳۲ به رحمت حق پیوست و من سال بعد، همراه مرحوم اخوی آیت الله سیداحمد خسروشاهی، عازم مشهد مقدس شدم و دید و بازدیدهای اخوی، به پرشوری و کثرت دوران پدر نبود، ولی من از فرصت يك ماهه استفاده کردم و نزد حجت الاسلام والمسلمین محمدتقی عبدخدایی فرزند ارشد حاج شیخ بخشی از «معالم» را تلمذ نمودم؛ یعنی ایشان يك ساعت به غروب مانده، به مسجد گوهرشاد می‌آمد و در گوشه‌ای که خیلی شلوغ نبود، درس می‌گفت.

من بنا بر همان اصل کنجکاوی یا فضولی طلبگی، هم در دو سه سفر اخیر پدر و هم در دوران اخوی، در نماز جمعه حاج شیخ شرکت می‌کردم. حاج شیخ در یکی از شبستان‌های مسجد گوهرشاد به اقامه نماز جمعه می‌پرداخت و متأسفانه همزمان، در شبستان‌های متعدد دیگر مسجد، آقایان دیگر به اقامه نماز جماعت مشغول بودند که به نظر من که طلبه نوجوانی بودم، کار صحیحی نبود؛ اما چه کار می‌شد انجام داد؟ بیانات یا خطبه حاج شیخ که به زبان فارسی، با لهجه غلیظ ترکی ایراد می‌شد، تقریباً برای فهم عامه مردم بود و من هم به نوبه خود از محتوای بیانات بهره‌مندی شدم. جمعیت نمازگزاران نماز جمعه، شاید به ۱۵۰۱۰۰ نفر بالغ می‌شد.

پس از بازگشت از نماز، پدرم می‌پرسید: «حاج شیخ چی گفت؟» و من آنچه را که فهمیده بودم، بیان می‌کردم و البته حاج شیخ بیشتر درباره مسائل اخلاقی اجتماعی با استناد و استشهاد به احادیث و روایات صحبت می‌کرد و به مفاسد اجتماعی هم گاهی اشاره می‌کرد. البته در آن چند جلسه‌ای که بنده توفیق حضور داشتم، دیدم که ظاهراً حاج شیخ در ایراد خطبه به اطناب معتقد نیست و مطالب را به طور خلاصه بیان می‌کرد تا مؤمنان نمازگزار خسته نشوند... در راستای همین روابط بود که بعدها با فرزندان برومند حاج شیخ دوست و رفیق شدم، به‌ویژه با حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر هادی عبدخدایی که گاهی برای تبلیغ به تبریز می‌آمد و در منزل مرحوم حاج عبدالمطلب مققانی که همسایه دیوار به دیوار ما بود و همه ساله يك دهه مجلس وعظ و خطابه برگزار می‌کرد، مردم را مستفیض می‌نمود و حقیر هم گاهی نه همه ده روز پای منبر ایشان، پس از پدر، می‌نشستم.

علاوه بر ایشان، با دیگر فرزندان حاج شیخ، حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمدتقی، محمدحسن، محمد مهدی و محمدطه عبدخدایی هم، هر کدام به نحوی، دوستی و اخوت خاصی داشته‌ام که با مرور زمان و حوادث دوران، به طور طبیعی فروکش شده است! آیت الله حاج شیخ غلامحسین عبدخدایی، قائد روحانی، در ۲۴ خرداد ۱۳۵۹ مطابق شعبان ۱۴۰۰ ق در ۹۷ سالگی در مشهد مقدس درگذشت و در بارگاه امام رضا علیه السلام در کنار تربت پاک حجت الاسلام والمسلمین شهید هاشمی نژاد آرام گرفت. ادخله الله فی عباد و فصیح جنته.

پی‌نوشت:

۱. متن تکمیل شده این کتاب، سالیانی بعد توسط این جانب ترجمه گردید و با ده‌ها پاورقی و عکس، توسط انتشارات «بعثت» تهران و سپس «بوستان» قم به چاپ رسید.

هر نمازی، آدمی را گامی از جهل دور و به علم نزدیک می‌کند. آیا حرکت از جهل به سوی علم بندگی است؟ فرض بر این است که نماز، انسان را از فحشا و منکر دور می‌کند، پس نمازی که چنین نمی‌کند، عبادت شمرده نمی‌شود. هر عبادتی به تقرب می‌انجامد. تقرب نیز منجر به کمال می‌شود و کمال، آزادی است. نماز چگونه مرا از جهل دور و به علم نزدیک می‌کند؟ نماز مرا وامی‌دارد تا متصف به صفات الهی و متخلق به اخلاق الهی شوم.

مفهوم عبادت در اسلام، به‌کلی با مفهوم عبودیت بیگانه است. در اسلام عبودیت نیست. عبودیت خداوند یعنی آزادی، بندگی خداوند یعنی حرکت به سوی علم و عدل و قدرت و رأفت و صدق و بلندمندی و همه کمالات. این است مفهوم عبادت در اسلام و چقدر این مفهوم با عبودیت فاصله دارد. آنچه بر این اصل تأکید می‌کند، این است که اخلاص شرط بنیادین عبادت است؛ نماز و روزه من فقط باید برای خداوند باشد. برای خداوند باشد یعنی چه؟ یعنی انگیزه الهی داشتن و جذب خداوند بودن. پس ما باید در بسیاری از کارهامان نظری دوباره بیفکنیم. وقتی گفته می‌شود «نیت»، برخی گمان می‌کنند نیت یعنی ایستادن در مقابل قبله و گفتن اینکه: چهار رکعت نماز عشا می‌خوانم قریه‌ای الله. این نیت نیست، بلکه این نیت‌له‌واست. نیت یعنی انگیزه.

آیا امشب هنگامی که تصمیم گرفتید که به مجلس بیایید، در آستانه در ایستادید و گفتید می‌خواهم به مجلس اعلای شیعیان بروم؟ نه، هرگز چنین نمی‌کنید. اما اگر کسی بپرسد: «چه چیزی تو را به حرکت واداشت؟» پاسخ خواهیم داد: «نیت». یعنی اینکه گامهای شما به سبب رغبت به شرکت در این جلسه حرکت می‌کرد. عبادت هر عملی است که به انگیزه تقرب به خداوند صورت می‌گیرد و تقرب یعنی اتصاف به اوصاف الهی و اوصاف الهی، همگی، کمال‌اند.

کارگاه عبادت

پس عبادت یعنی تلاش برای رسیدن به کمال. عبادت آزادی است، زیرا حرکت به سوی کمال، قید و بند نیست، بلکه آزادی از قید و بند است و نزدیکی انسان به انسانیت، آزادی است. اما بندگی درست نقطه مقابل آن است. یکی از ثمرات عبادت، آزادی از هر چیزی است که غیر خدایی باشد. ما در طی نماز و روزه و حج و زکات، برای دقایقی حرکت به سوی خدا را تجربه و تمرین می‌کنیم، چراکه اگر برای غیر خدا نماز بگذاریم، نمازمان باطل است. همچنین است روزه و حج و... پس اگر ما در زمانی اندک ورزش کنیم، تمرین کنیم و حتی دو دقیقه در روز برای خدا فعالیت کنیم و از خوردن و آشامیدن دوری کنیم، به سوی خدا حرکت می‌کنیم و به او نزدیک می‌شویم. ما در کارگاه عبادت برای آزادی موقت از غیر خدا می‌کوشیم. این تلاش‌ها ما را برای رهایی مطلق از غیر خدا یاری می‌کند. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «واستعینوا بالصبر والصلوة: از شکیبایی و نماز یاری جوئید». (بقره، ۴۵) ما در نماز، امکان آزادی را در عرصه‌های مختلف زندگی به دست می‌آوریم.

مسئله نخست و اصلی این است که مفهوم عبادت با عبودیت در اسلام متفاوت است. این‌ها اساساً دو مفهوم متفاوت‌اند. نکته دوم این است که عبادت خداوند مرا از غیر خدا آزاد و رها می‌کند. عبادت خدا با عبودیت مردم و حتی با عبودیت خداوند هم فرق می‌کند. من از این اصل کلی دفاع می‌کنم و می‌گویم همه عبادات، انسان را برای رسیدن به آزادی یاری می‌کنند، زیرا به انسان برای متخلق شدن به اخلاق الهی کمک می‌کنند. نیز انسان را به کمال نزدیک می‌سازند و به آزادی فرا می‌خوانند.

*آریان در خدمت انسان، ترجمه مهدی فرخیان

عبادت و عبودیت

صورت گیرد، یا هر عملی است که برای خداوند به جای آورده شود. این اصطلاح در مقابل اصطلاح «توصلی» است، و آن هر عملی است که نیازی به قصد قربت ندارد. برای مثال در واجبات نماز، وضو عمل تعدی است، یعنی اگر کسی بدون قصد قربت وضو بگیرد، وضویش باطل است. طهارت لباس نیز از شروط نماز است؛ اما اگر من لباسم را بدون قصد قربت پاک کردم، پذیرفته می‌شود و لباس پاک است، حتی اگر باد لباسم را اتفاقی در آبی بیندازد و لباس، خود به خود، در این آب پاک شود. اگر لباس را با آب غصبی هم بشویم، پاک است. اگر کسی را نیز وادار کنم که لباسم را بشوید، باز هم پاک است. پاک لباس به هر شکلی ممکن است، اما وضو فقط باید به قصد قربت باشد.

فقه می‌گوید هر عملی که به قصد تقرب به خداوند و اطاعت امر او صورت می‌گیرد، عبادت است، و هر عملی که به غیر از این انگیزه باشد، عبادت نیست؛ بنابراین اگر کسی بدون قصد تقرب به خداوند، بلکه برای جلب اعتماد مردم، نماز بگذارد، طبیعتاً نمازش عبادت نیست و اجرش نیز بر عهده خداوند نیست. فقه این نماز را از عبادات نمی‌شمارد. آیا اگر کسی از ترس پدر یا مادر نماز بخواند، خدا را عبادت کرده است؟ هرگز، این عبادت نیست. این رکوع و سجود و حرکتی بیش نیست. کسی که بنا بر عادت نماز بخواند و نداند که چه کاری می‌کند، همچون کسی است که صبحها، از روی عادت، کارها را در خانه انجام می‌دهد. چنین کسی برای نماز نیز حرکت می‌کند، اما عملش عبادت و نماز نیست.

اما عکس این مسئله درست است؛ یعنی هر عملی که برای تقرب به خداوند باشد، عبادت است، حتی اگر نماز و روزه نباشد. از جمله تجارت، زراعت، ساختن خانه و راه‌سازی، دیدار دوست و سلام و احوالپرسی با دیدار کنندگان، و هر عملی اگر برای خدا باشد، عبادت است، حتی خواب. آیا عملی آسان‌تر از خواب هست؟ ممکن است خواب هم عبادت باشد. ممکن است خوردن نیز عبادت باشد. ممکن است نشستن نیز عبادت باشد. همچنین، با هم بودن و شب‌نشینی و توجه به فرزندان و بازی با آنها نیز ممکن است عبادت باشد.

پس نخستین نکته این است که عبادت، در اصطلاح اسلامی، «هر عملی است که برای امتثال و اطاعت امر الهی و تقرب به خداوند، از انسان صادر می‌شود». بر این اساس، لختی در این مفهوم در رنگ می‌کنیم، یعنی در هر عملی که برای تقرب به خداست.

تقرب به خدا

معنای تقرب به خداوند چیست؟ تقرب یعنی تلاش برای به دست آوردن قرب. من می‌خواهم به شما نزدیک شوم؛ بلند می‌شوم، حرکت می‌کنم و سرانجام به شما می‌رسم و به شما نزدیک می‌شوم. آیا منظور از تقرب به خداوند، نزدیکی مکانی است؟ طبعاً پاسخ منفی است، چراکه از نظر اسلام، خداوند مکان ندارد، بلکه خالق مکان است. امام (ع) می‌فرماید: «لَا يَحْدُ بَأَيْنَ» یعنی خدا مکان ندارد. پس تقرب به خداوند یعنی چه؟ بیایید اندکی بیندیشیم و مفاهیم کهنه‌ای را که از کودکی با ما بوده‌اند، از ذهن خارج کنیم. مکان خداوند کجاست تا بدان سو رویم و به او برسیم؟ نه، چنین چیزی نیست و ما نیز به چنین مفهومی اعتقاد نداریم.

تقرب به خداوند یعنی تقرب معنوی. دریافتن مفهوم تقرب معنوی آسان است. من در اینجا هستم، اما ممکن است کسی در اروپا یا هند نزدیک من باشد. او چگونه به من نزدیک است؟ آیا نزدیکی غیر از نزدیکی مکانی وجود دارد؟ اسباب نزدیکی غیرمکانی چیست؟ گاهی علت قربایت معنوی نسبت است، یعنی برادر، یا پسرعمو بودن. این را نمی‌توان به خدا نسبت داد، چراکه خدا نه

امام موسی صدر

آن که قرآن تلاوت می‌کند، پیوند و هماهنگی و تناسبی میان روزه و قرآن می‌یابد: «کُنْتُ عَلِيْكَمُ الصِّيَامُ کَمَا کُنْتُ عَلَي الدِّينِ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ: روزه داشتن بر شما مقرر شد، همچنان که بر کسانی که پیش از شما بوده‌اند مقرر شده بود، تا پرهیزگار شوید» (بقره، ۱۸۳)، «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ: ماه رمضان که در آن قرآن نازل شده است.» (بقره، ۱۸۵)

چرا قرآن کریم هنگامی که زمان روزه را بیان می‌کند و می‌گوید روزه باید در ماه رمضان باشد، می‌افزاید: «ماهی که قرآن در آن نازل شد؟» در زبان عربی، این وصف به پیوندی میان روزه و قرآن اشاره دارد؛ قرآن کریم که سرچشمه و مصدر وحی الهی است. پس ما می‌توانیم ماه رمضان را ماهی متفاوت از دیگر ماهها برشماریم. تمایز این ماه به علم و حکمت و مطالعه و تحقیق است. روزه باعث می‌شود آدمی در این ماه، بهتر بحث و مطالعه و تحقیق کند. در حدیث آمده است که: برترین عمل در شب قدر، شبی که مخصوص دعاست. مباحثه علمی است.

سخن من، به مناسبت آغاز ماه روزه که از مهمترین عبادات است، درباره عبادت و عبودیت است. برانم تا به تمایلات آزادخواهانه انسان معاصر پاسخی دهم و پرتوی بر آنها بیفکنم؛ به ویژه نسل آینده‌داری که آرزو دارد آزاد و رها باشد و از قیودش بکاهد.

آنچه مرا به بحث برمی‌انگیزاند، صورت مخدوشی است که به عبادات در اسلام داده شده است؛ گویی نماز و روزه مالیاتی است که مسلمان باید تقدیم خداوند کند! این صورت مخدوش از نماز که بار مسئولیت را سنگین می‌کند، میل و رغبت آزادخواهانه انسان را به نماز از میان می‌برد، و نماز را کاری ناخوشایند جلوه می‌دهد. قرآن در این باره می‌فرماید: «وَأَنَّهُمْ لَكَبِيرَةٌ أَلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ: و این دو [شکیبایی و نماز] کاری دشوارند، مگر برای اهل خشوع» (بقره، ۴۵) این مسئله یکی از اسباب دوری مردم و جوانان از نماز است. به محض اینکه این فکر به زبان بیاید که ما بندگان خدا هستیم، مخالفت‌ها آشکار می‌شود که: «ما نمی‌خواهیم بنده باشیم!» اگر بگویی که این بندگی استثنایی دارد، ما بنده بشر نیستیم، بلکه بنده خدا هستیم، پاسخ این است که: این استثناست یا اینکه این‌گونه اندیشیدن اجباری و غیرواقعی است!

عبادت و آزادی

من می‌خواهم بگویم که اساساً عبادت خداوند به معنای عبودیت و تقدید نیست، بلکه دقیقاً برابر است با آزادی. عبادت خداوند یعنی آزادی مطلق. و هر اندازه عبادت فزونی یابد و در راه عبادت بیشتر گام نهی، آزادتر خواهی شد. نمی‌دانم چرا عبادات و عبودیت با هم آمیخته شدند و به یک معنا به کار می‌روند، با اینکه این دو واژه با هم یکی نیستند. بنابر آنچه از زبان‌های دیگر می‌دانم، اساساً واژه عبادت، از نظر ماده و شکل آن، از ریشه‌ای غیر از عبودیت است. از جمله در زبان فارسی عبادت به «پرستش» و عبودیت به «بندگی» ترجمه می‌شود. در زبان فرانسه دو واژه «adoration» و «esclavage» به کار می‌رود و همین‌طور در زبان‌های دیگر. چه اندازه میان این دو واژه تفاوت است! اگر نیک بنگریم، درخواهیم یافت که عبادت چیزی است و عبودیت چیز دیگر. نزدیکی این دو واژه (و هم‌ریشه بودنشان) باعث خلط آنها و باعث این شکل مخدوش عبادات شده است. عبادت به معنای عبودیت نیست، بلکه آزادی است.

عبادت چیست؟

اندکی ژرف و روشن درباره مفهوم عبادت در اسلام می‌اندیشیم. عبادت چیست؟ عبادت در اصطلاح اسلامی، هر عملی است که به قصد قربت

سید جلال کتابچی که بعد از مرحوم پدرش و برادرهایش به عنوان نماینده ۳ نسل قبل از خودش، حالا و در سن ۷۸ سالگی مدیر کتابفروشی اسلامیة است، پشت میز چوبی قدیمی مغازه نشسته و نگاهش به رفت و آمدهای بیرون کتابفروشی در خیابان ۱۵ خرداد است و هرازگاهی پاسخ مشتری های تک و توکی را که یا از قدیم برایشان مانده و یا گذری است و اتفاقی، می دهد. می گوید دانش آموز دبستانی بوده که پایش به کتابفروشی باز شده و حالا بیش از نیم قرن است که جاننش با خاطرات این کتابفروشی و صفحه صفحه کتاب هایی که چاپ کرده اند و به فروش رسانده اند، عجین شده است. سید جلال کتابچی ۱۵ ساله بوده که پدرش حجت الاسلام سیداحمد کتابچی در سال ۱۳۳۶ در سن ۶۳ سالگی و به دلیل عارضه قلبی مرحوم می شود. بعد از پدر، برادرانش سید اسماعیل، سید محمد و دیگری سید رضا، مدیریت چاپخانه و کتابفروشی اسلامیة را برعهده گرفته اند که هر سه مرحوم شده اند و حالا عکس های قاب شده شان روی دیوار کتابفروشی است.

پدر بزرگ تان، مرحوم سید محمد علی کتابچی، کتابفروشی اسلامیة را چگونه تاسیس کرد؟

پدر بزرگ روحانی و از تجار بزرگ شیراز بود و اقدام به واردات کتاب های چاپ بمبئی و چاپ سنگی و نسخه های خطی و فروش آنها می کرد. او زمان ناصرالدین شاه جلای وطن می کند و به تهران می آید و در تیمچه کتابفروش های بازار حاجب الدوله حجره ای می گیرد و این کار را ادامه می دهد.

عنوان فامیلی ایشان کتابچی بود؟

خیر، ابتدا او را به اسمش یعنی سید محمد علی می شناختند و بعدها که وارد کار کتاب شد به آقای کتابچی معروف شد که این عنوان فامیلی روی خانواده ما باقی ماند. پدر بزرگ بعد از بازار حاجب الدوله به خیابان ناصر خسرو، محل فعلی وزارت دارایی نقل مکان می کند. بعد

از درگذشت پدر بزرگم، مرحوم پدرم حجت الاسلام سیداحمد کتابچی، کتابفروشی را به باب همایون منتقل کرد و آن را توسعه داد. مرحوم پدرم با تاسیس چاپخانه ای که در همسایگی کتابفروشی بود دستگاه چاپ سنگی را به این محل آورد.

انتشار بحار الانوار را نخستین بار مرحوم آقای آخوندی، صاحب انتشارات دارالکتب اسلامیة شروع کردند؟

بله، قبل بحار الانوار در قطع های بزرگ و با چاپ سنگی در ۲۴ جلد منتشر می شد که اصلا برای عموم قابل استفاده نبود. مرحوم آقای آخوندی کار چاپ آن را به شکل جدید شروع کرد ولی خیلی کند پیش می رفت و سالی یک جلد از آن را منتشر می کردند. علمایی که از آن استفاده می کردند مدام به مرحوم پدرم مراجعه می کردند که شما این کتاب را چاپ کنید تا کار سریع تر پیش برود. تا اینکه مرحوم پدرم با همکاری آقای غفاری و آقای بهبودی و چند نفر دیگر که کار تصحیح و مقابله را انجام می دادند، شروع به چاپ این کتاب کردند و همراه یک جلد از آن منتشر شد. کلاً ۱۱۰ جلد شد که ۴۵ جلد آن را مرحوم آقای آخوندی و باقی آن را ما چاپ کردیم و طی این سال ها چند بار تجدید چاپ شد.

خودآموز نصاب الصبیان به قلم آقای علامه حسن زاده آملی یکی دیگر از کتاب هایی است که منتشر کردیم. به آقای شعرانی گفتیم شما شرح فارسی این کتاب را بنویسید، گفتند بدهید آقای حسن زاده بنویسد. آن موقع علامه حسن زاده طلبه بودند و شاگرد علامه شعرانی. کتاب وقتی چاپ شد بسیار مورد استقبال و استفاده طلبه ها قرار گرفت و هنوز هم مشتری دارد.

علامه شعرانی به کتابفروشی شما رفت و آمد داشت؟

بله، خیلی روزها اینجا می آمدند. منزل ایشان در چهارراه سیروس بود و با ما همکاری داشتند و چون تصحیح برخی کتاب ها مثل تصحیح تفسیر منهج الصادقین، تفسیر ابوالفتح رازی و

یک قرن کتابچی



مجمع البیان شیخ طبرسی را انجام می دادند اغلب هر روز به کتابفروشی می آمدند. شب ها صفحاتی که باید تصحیح می شد را برای ایشان می فرستادیم و ایشان صبح ها تصحیح شده آنها را برمی گرداندند. از روی نسخه تصحیح شده ایشان حروفچینی می شد و دوباره زیر نظر ایشان چند مرتبه غلطگیری انجام می گرفت تا به چاپ برسد. علامه شعرانی دوستی نزدیکی با مرحوم

پدرم داشتند. ترجمه و تصحیح برخی از کتاب ها را به درخواست ما انجام می دادند و بابت آن حق التحریری هم دریافت می کردند. مرحوم محمد باقر بهبودی و مرحوم استاد علی اکبر غفاری هم از کسانی بودند که به کتابفروشی ما رفت و آمد داشتند و برای ما کار تصحیح برخی کتاب ها را انجام می دادند. اغلب کتاب های ناسخ التواریخ و بخش عمده بحار الانوار را مرحوم بهبودی، هم حاشیه نوشتند و هم تصحیح کردند. آقای غفاری خودشان هم انتشارات صدوق را داشتند با این حال تصحیح برخی از کتاب های ما را انجام می دادند و روی آنها نظر می دادند. مرحوم آیت الله سیدابراهیم مرتضوی میانجی هم از علمایی بودند که به کتابفروشی ما می آمدند. تصحیح کتاب ۲۰ جلدی «وسائل الشیعه» را ایشان انجام دادند. تصحیح کتاب «إحقاق الحق و إزهاق الباطل» مشهور به احقاق الحق نوشته مرحوم سید نورالله حسینی مرعشی شوشتری درباره مباحث نبوت و امامت را هم آیت الله میانجی برای ما انجام دادند.

در دوره رضا شاه و اعمال سیاست های ضد دینی، چاپ کتاب های دینی در انتشارات شما با مشکل و محدودیت مواجه نشد؟

خیلی مشکلی از این جهت نداشتیم اما خاطرم هست یک بار پدرم با حکومتی ها سر موضوع کشف حجاب درگیر شد. زمان کشف حجاب بود و مرحوم پدرم در همین خیابان بوذرجمهری و مقابل کتابفروشی به مأموران حکومت به خاطر تعرض به خانمی که روسری به سر داشت و پاسبان ها روسری او را زسرش کشیده

بودند، اعتراض کرد. اعتراض او منجر به درگیری اش با پاسبان ها شد و آنها هم او را دستگیر کردند و بردند. تا اینکه با وساطت برخی از دوستان آزاد شد.

در دوره پهلوی دوم کتاب «الامام علی» جورج جورداق را با ترجمه علامه شعرانی چاپ کردیم که بسیار هم مورد استقبال قرار گرفت و پرفروش شد. همزمان با ترجمه و چاپ این کتاب توسط ما آیت الله سیدصدرالدین بلاغی مشغول ترجمه آن شده بود که ترجمه اش کمی سیاسی بود و به مذاق حکومت خوش نمی آمد. سازمان اطلاعات و امنیت حکومت پهلوی کتاب را توقیف و جمع آوری می کند. وقتی این قضیه پیش آمد آقای صدر بلاغی نگران می شود که ساواک کتاب ما را هم جمع آوری کند برای همین از آیت الله سعید تهرانی که دولت هم به ایشان نظر مساعدی داشت، کمک می خواهد. او هم نزد تیموربختیار، رئیس سازمان اطلاعات و امنیت شاه وساطت می کند و می گوید کتاب «الامام علی» زیر نظر من و با ترجمه علامه شعرانی توسط اسلامیة در حال چاپ است و آقای شعرانی هم سیاسی نیست. بختیار هم قبول می کند و کتاب چاپ می شود.

حال و روز این روزهای کتابفروشی اسلامیة چگونه است؟

واقعیت این است که کتابفروشی رونق گذشته را ندارد. چاپخانه ما ۳ سال پیش تعطیل شد. ما قدیم ها روزی چند کارتن کتاب به سفارش شهرستان ها برای آنها ارسال می کردیم. مرتب با نجف و کربلا ارتباط داشتیم و تازه ترین کتاب ها و منابع مهم شیعی را برای آنها ارسال می کردیم. حالا شاید ماهی یک کارتن کتاب به شهرستان بفرستیم. کتاب های خودمان را نیز برای چاپ به چاپخانه های دیگر می سپاریم. هر چند هنوز مشتری های قدیمی ما هستند اما مشتری های گذری هم داریم که به بازار می آیند و یکدفعه میان این همه مغازه یک کتابفروشی می بینند و داخل می شوند و سراغ کتابی را می گیرند. اما به هر حال با کمک برادرزاده هایم، اسلامیة را که یکی از قدیمی ترین کتابفروشی های تهران است حفظ کرده ایم تا این ریشه فرهنگی قطع نشود.

منبع: همشهری

برگزاری نشست علمی پیرامون سهولت یا صعوبت دین اسلام

سختی در پیش خواهیم داشت و قطعاً باید روحیه مخاطب را در نظر بگیریم، سطح معلومات او را در نظر بگیریم، به نوع استدلالی که بیان می شود اشراف داشته باشیم، از اصطلاحات پرهیز کنیم و بیان و عبارت ها را رعایت کنیم.

وی افزود: ما دو بحث داریم؛ اول اینکه آیا ما می خواهیم آثار استاد انصاریان را منتشر کنیم؟ و دوم اینکه آیا می خواهیم کتابی منتشر کنیم که برای مخاطب باشد؟ و این دو بحث جداست. اگر ما می خواهیم مجموعه آثار منتشر کنیم، یک بحثی به جای خود است، اما اگر بخواهیم کتابی منتشر کنیم که مورد نیاز جامعه و مخاطب باشد، خب طبیعتاً ممکن است این ده جلسه ای که می خواهیم تبدیل به کتاب کنیم، وقتی که به نظر می رسد بخشی مورد استفاده نیست و یا به این موضوع ارتباطی ندارد، طبیعتاً باید بدون واهمه بتوانیم حذف کنیم، چون اینجا فقط و فقط باید نیاز مخاطب را نظر داشته باشیم.

حجت الاسلام شمس در ادامه گفت: فصل بندی و دسته بندی کتاب بسیار خوب است، اما به نظرم نکته ای که باید به آن توجه کرد، عمومی بودن مخاطبان است که نیاز به چارچوب داریم. از بحث های جزئی به کلی می آییم و محورها و نمونه ها را ذکر می کنیم تا بعد به صورت یک قاعده کلی و تمام آن چهارچوب ها در اختیار مخاطب قرار گیرد و کتاب مورد بحث این گونه پیش رفته است. شیوه دیگر آنست که قاعده کلی را بیان کنیم، بعد مثال ها را بیاوریم.

حجت الاسلام شمس تأکید کرد: این اثر در زمره اساسی ترین، ضروری ترین و بیشترین دغدغه مورد نیاز جامعه است که با درایت برنامه ریزان موسسه فرهنگی دارالعرفان به جامعه اسلامی ارائه شده است.

این کتاب در دو بخش «سهولت» و «سهل انگاری» مطالب ارزشمندی ارائه کرده است. خود اسلام این را خواسته و طبیعتاً وقتی که حدود،

سقرو محورها بیان شود و با کار بسیار عالی که شده کتاب در دو بخش هم آمده، یعنی بخش سهولت را مطرح کرده و در بخش دوم نیز بحث سهل انگاری مطرح شده که باز عدم غفلت از این جهت که خدایی نخواسته این باعث نشود که آن چیزی که در بین مردم مرسوم هست و طبیعتاً با آن آشنا هستند و می دانند دین اسلام دین سهل است، این را با سهل انگاری تطبیق می دهند.

مدیر سابق بوستان کتاب ادامه داد: موضوع کتاب بسیار با اهمیت و خوب و لازم است و جزو موارد مورد نیاز جامعه بوده که هم دفاع از بیان احکام اسلام و هم دفاع از چهره اسلام است. در مقدمه هم آمده که این مطالب مجموع سخنرانی های استاد انصاریان بوده و طبیعی است وقتی می خواهیم به کتاب تبدیل کنیم و در اختیار مخاطبان قرار دهیم تردیدی نیست که کار



انتخاب می کنند باید به گونه ای باشد که هم مورد اقبال جامعه بوده و به نوعی پاسخگوی نیازهای مخاطبان باشد.

این استاد حوزه و دانشگاه افزود: اگر ما بتوانیم در بحث تبلیغ دین، آن بحث که به موضوع شناسی شهرت دارد را بیش از پیش مورد توجه قرار دهیم، به طور یقین بسیاری از مسائل و مشکلات فعلی جامعه حل و فصل می شود، ولی متأسفانه ما نتوانسته ایم

در نوع ارتباط با مردم و انتقال مفاهیم دینی به خوبی فعالیت کنیم و تردیدی نیست که سرمنشأ همه این مسائل به عدم موضوع شناسی مطلوب ختم برمی گردد.

این فعال حوزه کتاب با بیان اینکه اهل هنر و قلم باید در آثار خود «نیاز با مذاق» را با هم تطبیق دهند، گفت: گاهی ممکن است بگوییم مباحث مربوط به مسائل اعتقادی، احکام، مسائل اخلاقی، مسائلی مسلم بوده و قطعاً همه هم می دانیم که چنین است و جزو معارف اصلی دینمان بوده و باید این موارد به جامعه گفته شود، ولی ممکن است بعضی از این موارد مورد استقبال قرار نگیرد، یعنی به یک معنا مذاق جامعه با از این گونه مطالب گاهی همراهی نداشته باشد؛ انطباق این دو بر یکدیگر یعنی انطباق نیاز و مذاق، هنری هست که نباید کسانی که در این زمینه کار می کنند از آن غفلت کنند.

اینجا؛ حجت الاسلام والمسلمین سید محمد کاظم شمس در نشست علمی «سهولت یا صعوبت در دین اسلام» و بررسی کتاب «اسلام دین آسان» که در سالن جلسه های موسسه دارالعرفان برگزار شد، اظهار کرد: در دو بخش «موضوع شناسی» و «محتوای کتاب» مطالبی قابل توجه برای ارتقا این اثر وجود دارد، ولی آنچه تحسین برانگیز است، موضوع و شاکله کتاب است که مولف و پژوهشگران به خوبی به آن توجه داشته اند.

رئیس سابق اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان قم افزود: موضوع این کتاب یکی از ضروری ترین مباحث مورد نیاز است، به دلیل این که بعدی از اسلام که جوان امروزی نیازمند شناخت نسبت به اسلام هست را نشان می دهد. این مراحل به اشکال متنوع در بخش احکام و در بخش های مربوط به سیره به خوبی نشان داده شده است. از طرف دیگر همین جهت دوم که بخش سهل انگاری است و گاهی احیاناً بی مبالائی در دین به جهت گذشت زمان و تفسیرهای شخصی صورت گرفته، به این نکته هم به خوبی پرداخته شده است. اگر موضوع کتاب ها، متناسب با شرایط محیط و امر تبلیغ انتخاب شود، بدون تردید آثار و برکات ارزشمندی برای خواهد گذاشت.

مدیر سابق بوستان کتاب بیان کرد: در موسسه علمی فرهنگی دارالعرفان، اشراف استاد حسین انصاریان به مسائل تبلیغی و اخلاقی کاملاً حساب شده بوده و آثار موسسه با چنین کم کاری هایی مواجه نیست، لذا صاحبان آثار امروز موضوعاتی را که

دبیرکل حزب الله لبنان همچنین به وضعیت کنونی بخش هایی از لبنان که تروریست ها در آن فعال هستند اشاره کرد و گفت: آخرین مرحله مقاومت جرود عرسال است و اهالی آن باید مسئولیت را عهده دار شده و ما می خواهیم مانع خونریزی شویم.

دبیرکل حزب الله لبنان خاطرنشان کرد: نمی توان وضع موجود در جرود عرسال را پذیرفت به ویژه که گروه های مسلح در آن آزادی مطلق دارند. سید حسن نصرالله مقاومت سال های اخیر مردم جنوب لبنان به ویژه هرمل، محل برگزاری مراسم سالگرد پیروزی مقاومت، را در برابر گروههای مسلح تکفیری، مشابه با مقاومت مردم لبنان در برابر اشغالگران اسرائیلی خواند و افزود: امروز گروههای مسلح در بخش کوچکی از لبنان یعنی جرود عرسال فعالند.

وی یادآور شد: ما بار دیگر تاکید می کنیم اهالی عرسال باید تلاش کنند، دولت لبنان نیز باید تلاش کند تا این روند در جرود عرسال ادامه نیابد، ما در پی آن هستیم که خونی ریخته نشود و با راهکار مسالمت آمیز این پرونده خاتمه یابد اما به طور کلی نمی توان اجازه داد این روند در جرود عرسال دوام داشته باشد، انتحاری های آنان و خودروهای انفجاریشان روستاها و آبادی های این منطقه را تهدید می کنند. خطاب من به این گروهها این است که تلاش شما نتیجه ای ندارد، روند رویارویی با گروههای مسلح در عراق و سوریه، به طور کامل عوض شده است پس فرصت برای پایان دادن به این مشکل در لبنان، آن هم به بهترین روش مهیاست.

دبیرکل حزب الله لبنان همچنین با اشاره به موضوع انتخابات در کشورش گفت: درباره انتخابات در لبنان امیدواریم قانون جدید انتخابات در کشور تدوین و تصویب شود، در دو روز اخیر شاهد افکار و اندیشه های جدیدی بوده ایم که می توانند در رسیدن به قانون جدید انتخابات، اثر گذار باشند، اصرار ما همچنان این است که قانون جدید انتخابات در کشور مهم است. آنچه در این شرایط به سود کشور است تلاش برای رسیدن به قانون انتخابات جدید است.

وی افزود: سلفی ها فکری افراطی دارند و چیزی درباره میانه روی و اعتدال نمی دانند و بر این اساس عجیب نیست که می بینیم شیوخ و سران آنها مسلمانان را با هر عقیده مخالفی تهدید می کنند.

کریمه تاکید کرد سلفی ها علت اصلی نشر بی دینی میان جوانان مسلمان و تفرقه و هرج و مرج و مخدوش شدن چهره دین اسلام هستند.

کریمه تصریح کرد پیروان وهابیت پیرو دین محمد بن عبدالوهاب هستند نه دین پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله.

باید منتظر ماند و دید که بازخورد گسترش اندیشه وهابیت در جهان اسلام و دیگر نقاط جهان که چیزی جز پیدایش گروههای تکفیری و تروریستی و گسترش موج خشونت، افراطی گری و ترور به همراه نداشته، می تواند دیگر مراکز، موسسات و شخصیت های بزرگ و برجسته جهان اسلام را بیدار کرده و حقایق این فرقه افراطی را برای مسلمانان بازگو کنند کما این که روند افشا کردن حقایق وهابیت در سالهای اخیر گسترش محسوسی یافته است.

امین تهرانی / خبرگزاری تقریب

دبیرکل حزب الله:

تمام تاریخ سعودی، تکفیر مسلمانان و تاریخ ایران تقریب مذاهب است

جهان به نظام آن به عنوان مرکز اندیشه تکفیری می نگرد.

سید حسن نصرالله تاکید کرد: سعودی ها به رییس جمهوری آمریکا رشوه دادند تا از آنان در برابر اتهام حمایت از تروریسم دفاع کند و سعودی کوشید بگوید ایران مرکز تروریسم است، این همان مطلبی است که ملک سلمان گفته بود.

وی گفت: آیا ایران مرکز تروریسم است، آیا ایران ارتش های وهابی را ایجاد نمود، ایران، از مقاومت لبنان و فلسطین حمایت کرد و با ملت عراق ایستاد وقتی که چیزی نمانده بود داعش وارد نجف و کربلا شود.

وی افزود: چه کسی تکفیر می کند، شیعیان ایران یا علمای ارشد سعودی؟، تمام تاریخ سعودی، تکفیر مسلمانان و تاریخ ایران تقریب مذاهب است، سعودی نمی تواند هیچ اتهامی به ایران وارد کند.

دبیرکل حزب الله تاکید کرد: سعودی اقدام به این کار نمود چون نیازمند آمریکا است تا نقش خود را در منطقه حفظ کند، اموال و مدیریت داعش، سعودی است.

وی گفت: دو سال و نیم جنگ ضد مردم شریف یمن که با ارتش های منطقه آمدند، متأسفانه ارتش سودان در این جنگ شرکت دارد اما ملت یمن پایدارند.

حملات آل خلیفه نتیجه چراغ سبز کنفرانس ریاض

سید حسن نصرالله در بخش دیگری از سخنان خود گفت: حوادث اخیر بحرین یکی از تبعات نشست های ریاض و شاید از برکات سفر ترامپ به منطقه باشد!

وی افزود: مواضع آیت الله عیسی قاسم همیشه مسالمت آمیز و آرام بوده اما دولت آل خلیفه به جای گوش فرا دادن به خواسته های مردم برای اصلاح امور، به کشتار و بازداشت علما و سران مخالفان و تحت تعقیب قرار دادن زنان و مردم و تخریب مساجد و سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم و تبعید آن روی آورده است.

سید حسن نصرالله همچنین ضمن تاکید بر لزوم موضع گیری و مخالفت دولت لبنان درباره تبعید آیت الله شیخ عیسی قاسم به لبنان خاطرنشان کرد شیخ عیسی نزدیک به یک سال

دبیرکل حزب الله لبنان به مناسبت روز عید مقاومت و آزادی درباره خضوع و خشوع سعودی ها در برابر ترامپ و تکریم از او در عربستان گفت: جلسه مسئولان اسلامی-آمریکایی در عربستان نمایش بود نه نشست سران.

سید حسن نصرالله با بیان اینکه خیلی از سران از بیانیه پایانی نشست ریاض بی اطلاع بودند، خواستار موضع گیری رئیس جمهوری و وزیر امور خارجه لبنان در ارتباط با موضوع صدور بیانیه نشست توسط سعودی ها و بعد از خروج سران شرکت کننده در این کنفرانس شد.

وی افزود، بیانیه سعودی آمریکایی ریاض، یک رسوایی و کمدی در میان کنفرانس ها و نشست هاست، آنچه درباره کنفرانس های ریاض قابل توجه و پیگیری است توافقات دوجانبه و امتیازاتی است که به آمریکا داده شد یا تعهداتی است که آمریکایی ها داده اند.

سید حسن نصرالله ادامه داد، لشکر کشی عربستان برای حضور دیگران در کنفرانس های ریاض با هدف تکریم ترامپ بوده است ضمن اینکه این کشور خواست خود را کشور محوری در جهان عرب معرفی کند.

وی ادامه داد، عربستان رئیس جمهوری را تکریم کرده است که در میان روسای مختلف جمهوری، بیشترین بی ادبی را به امت اسلام، مسلمانان، اعراب و حتی کشور عربستان داشته است. او ترامپی را تعظیم کرد که دیدگاه نژاد پرستانه دارد و بزرگ ترین حامی اسرائیل است. او به کسی تکریم کرد که حتی در داخل آمریکا با مخالفت جدی روبروست و حتی ممکن است این مخالفت ها سبب سرنوشتی او شود اما عربستان به او امتیازاتی داده است که به روسای جمهوری پیشین آمریکا نداده بود.

وی افزود: سخاوت سعودی اصلا مفهومی ندارد، آنچه در جریان سفر ترامپ واقع شد غیر منطقی بود و آن چیزی که به وی ارائه شد قبل از آن به هیچ رییس جمهوری تقدیم نشده بود.

دبیرکل حزب الله لبنان خاطرنشان کرد: سعودی این کار را کرد تا خود و نظامش را در برابر جهان حفظ کند چون بر کسی پوشیده نیست که پشتیبان تکفیری ها، عربستان سعودی است.

وی گفت: سعودی بود که القاعده را ساخت و

موج جدید مخالفت ها با دیدگاه های افراطی وهابیت

رویکرد ضد وهابی و تکفیری مراکز بزرگ جهان اسلام چون الازهر همچنان ادامه دارد و در سخنان بزرگان آن که پیش از این، در سالهای گذشته در میان سخنان شیخ الازهر یافت می شد، ادامه دارد.

دکتر عبدالفتاح العواری رئیس دانشکده اصول دین دانشگاه الازهر در این رابطه گفته بود: کتاب های ابن قیم جوزی و ابن تیمیه در الازهر تدریس نمی شود، زیرا فکراین کتاب ها متناسب با فکر معتدل الازهر نیست.

وی افزود: اقرار ما به کوتاهی باعث می شود الازهر تلاش بیشتری برای عمل به واجبات خود انجام دهد اما باید این سؤال را هم پرسید که چرا هر اتفاقی می افتد برخی فقط الازهر را متهم می کنند در حالی که الازهر نهادی است که مسئولان و رؤسای جمهور و میهن دوستان در آن رشد کرده اند.

شیخ احمد کریمه از شیوخ برجسته الازهر نیز تاکید کرده بود: اندیشه افراطی سلفی چیزی جز تندروی و خشونت نمی شناسد و بر این اساس نهاد دینی کشور باید در مقابل این جریان بایستد و اجازه ندهد در نهادهای حکومتی رخنه کنند.

آل الشیخ بر سرزمین حرمین شریفین بر آن قرار دارد، از نظر حاضران در این همایش از جمله علمای بزرگ اهل سنت، جایی در میان مسلمانان ندارند.

شرکت کنندگان در کنفرانس در بیانیه پایانی خود خاطرنشان کردند که این کنگره نقطه تحول مهم و ضروری برای تصحیح انحراف بزرگ و خطرناکی است که در اثر تلاش افراط گرایان برای سرقت این لقب و منحصر کردن آن به خودشان، وارد مفهوم «اهل سنت و جماعت» کرده اند.

این کنفرانس در نشست های خود از جهان اسلام خواست تا دست از جدال در امور کوچک و بی اهمیت بردارد تا گروه های تروریستی بیش از این از اختلافات میان مسلمانان در جهت روش های ویرانگر خود سوء استفاده نکنند.

برگزاری این کنفرانس، خشم سلفی های وهابی را برانگیخت به صورتیکه آنها مدعی شدند این کنفرانس توطئه ای روسی علیه آنها است؛ پیروان وهابیت هم برای تخریب کنفرانس مذکور بیش از ۱۰۰ هزار پیام و مطلب در شبکه های اجتماعی، علیه شرکت کنندگان در آن منتشر کردند.

ادامه رویکرد ضد وهابی

موج محکومیت ها و مخالفت های مراکز و موسسات بزرگ جهان اسلام از جمله الازهر مصر با عقاید و دیدگاه های افراطی وهابیت در سالهای اخیر گسترش یافته است.

شاید بتوان اوج این مخالفتها را در کنفرانس چچن در سال گذشته مشاهده کرد کنفرانسی که در آن اقدامات وهابیت تکفیری به شدت محکوم شد.

منحصر کردن اهل سنت و جماعت در سه گروه «صوفیه، ماتریدیه و اشعریه» و به شمار نیاوردن سلفی ها و سایر فرقه های افراطی در کنفرانس «اهل سنت و جماعت» در چچن، خشم سعودی های وهابی را موجب شد.

این کنفرانس که با نظارت رمضان قدیروف رئیس جمهور چچن برگزار شد، اهل سنت و جماعت را از نظر اعتقادی منحصر به اشعری ها و ماتریدی ها کرده و از نظر علم و فقه به مذاهب اربعه و اهل تصوف منحصر دانست و مخالفان این گروه ها را خارج از دایره اهل سنت و جماعت اعلام کرد.

بدین ترتیب، فرقه های ساختگی همچون وهابیت تکفیری که مبنای حاکمیت آل سعود و

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سرمدیر: سید محمود خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (صفائیه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۱۴۲۳۳۷۷۴۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

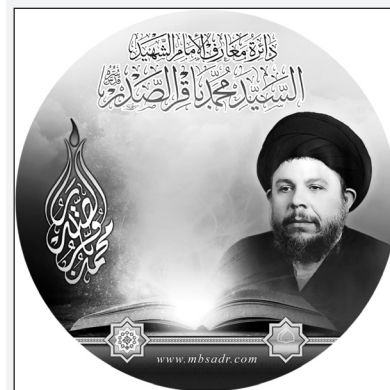
استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

کلبه شروق: www.ketab.ir/shorrough

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

معرفی نرم افزار

دانشنامه شهید سید محمدباقر صدر (۲) عرضه شد



نسخه دوم از نرم افزار ارزشمند دانشنامه امام شهید سید محمدباقر صدر که چندی پیش با همکاری مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) و پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر تهیه و تولید شده بود از هم‌اینک در دسترس علاقه‌مندان و پژوهشگران علوم اسلامی قرار دارد. ۸۹ عنوان کتاب در ۱۹۱ جلد از آثار سید محمدباقر صدر و دیگر منابع مرتبط با آثار ایشان، به صورت متنی و تصویری محتوای علمی این نرم‌افزار را تشکیل می‌دهد.

بحث‌های قرآنی، اصول فقه، تاریخ تحلیلی، تراجم، فقه استدلالی، فقه اقتصادی، فقه فتوایی، کلام، اندیشه اسلامی، فلسفه و منطق از جمله موضوعاتی است که در این نرم‌افزار به آن پرداخته شده است.

همچنین در نسخه دوم از نرم افزار دانشنامه امام شهید سید محمدباقر صدر، ده‌ها قطعه صوت مرتبط با ایشان در موضوع: اصول فقه، فقه، تفسیر، اهل بیت علیهم السلام و معارف اسلامی، به همراه فیلم و تصویر نیز در اختیار کاربر قرار داده شده است.

فلسفتنا، اقتصادنا، الحلقه الأولى، الحلقه الثانية، الحلقه الثالثة، مباحث الأصول، حقائق المجتمع، عبادتنا، مصیر الأمم، عناصر المجتمع، اجتماعنا، الاقتصاد الإسلامي، اقتصاد ما، بارقه‌ها، فلسفه‌ها، سنت‌های تاریخ در قرآن و ... از جمله کتاب‌هایی است که این نرم افزار در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار می‌دهد.

این گزارش می‌افزاید: جستجو به روش‌های گوناگون در الفاظ و عبارات متن و فهرست کتاب‌های برنامه، قابلیت ارتباط و مقایسه بین متون، امکان محدود کردن دامنه نمایش و جستجو، دسترسی متن قرآن کریم، ارتباط واژگان متون برنامه با چند دوره لغت نامه و نیز امکان یادداشت برداری از جمله قابلیت‌های پژوهشی این نرم افزار می‌باشد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر و تهیه نرم‌افزار به صفحه ذیر مراجعه نمایید:

www.noorsoft.org/mode/15357

شمع همیشه فروزان

کند و کلید بسیاری از معارف آن شخصیت والا را به دست محققان و پژوهشگران بدهد.

در یکی از خاطرات این کتاب به قلم استاد سیدهادی خسروشاهی آمده است: «وقتی آیت‌الله‌العظمی خویی وارد نجف اشرف شد، یک نوجوان ۱۳ساله بود که به خواندن مقدمات و سطوح پرداخت؛ ولی از همان آغاز، نبوغ و ذکاوت در سیمای وی آشکار بود و در محافل علمی حوزه، این نوجوان به عنوان یک طلبه فاضل، خوش فهم، تلاشگر و کوشا جلوه نمود و به حسن شهرت و فوق‌العاده بودن معروف شد. به نوشته استاد سنبجانی: او از سه قوه و استعداد روحی فوق‌العاده برخوردار بود که کمتر این سه قوه در یک فرد جمع می‌شوند: ۱. فهم و هوش و دریافت مطالب به صورت صحیح، ۲. حفظ و ضبط مطالب بدون آنکه با مرور زمان فراموش شود، ۳. تصرف و موشکافی در مطالب و در نتیجه نوآوری.

مرحوم آیت‌الله خویی از جوانی به نبوغ و استعداد فوق‌العاده و حفظ و ضبط و تصرف و ابتکار و نوآوری معروف بود و همین سه عامل بود که در سنین سی سالگی او را جزء مدرسان «خارج» ساخت تا آنجا که شاگردان آن مرحوم می‌گویند: وی از سال ۱۳۵۰ق بحث خارج را آغاز نمود که در آن گروهی از فضلا شرکت می‌کردند. و این حکایت از این دارد که آن مرحوم چه اندازه جودت فهم و استعداد عالی داشته و چقدر در تحصیل علم و دانش سعی و کوشا بوده که توانسته است در جوانی به درجه رفیع اجتهاد مطلق نایل شود و بر عالیترین کرسی تدریس حوزه علمیه نجف تکیه بزند.

دوران تحصیل آیت‌الله خویی همراه با رفاه و آسایش طلبگی نبود، بلکه ایشان مانند دیگر طلاب و محصلان حوزه‌های علمیه و مراجع عظام، دوران طلبگی و تحصیل را با سختی و عسرت گذرانید. در میان اسناد خانوادگی ما، سندی از هفتاد و دو سال پیش یعنی در همان اوج شکوفایی تحصیل و تدریس و اجتهاد آیت‌الله خویی وجود دارد که نشان می‌دهد که ایشان با قبول انجام زیارت، بخشی از هزینه زندگی خود را تأمین می‌کرده است... آیت‌الله خویی از همان جوانی کرسی تدریس خارج را در حوزه علمیه نجف در اختیار داشت و تا اواخر هم، علیرغم اشتغالات مرجعیت، همچنان کار اصلی او تدریس، تألیف و تربیت شاگردان برجسته در علوم اسلامی بوده است...

تصاویر دیرپای و متعدد رنگی و سیاه. سفید، اسناد و مدارک فراوان، گفتگو با شخصیت‌های علمی، نثر و بیان گویا و جذاب از محاسن این کتاب مفصل است که جای تکمیل و تحسین دارد.

روابط این بزرگوار با دولت بعثی عراق تیره بود؛ به گونه‌ای که در اوایل دهه ۸۰ میلادی، اموالش مصادره و شاگردانش دستگیر، شکنجه و شهید می‌شدند. در خیزش شعبانیه، ایشان حمایت خود را از مجلس اعلای اسلامی عراق اعلام کردند که در نتیجه صدام او را تا آخر عمرش در حبس خانگی نگه داشت

این مرجع بزرگ در روز شنبه، ۸ صفر ۱۴۱۳ برابر با ۱۷ مرداد ۱۳۷۱، به علت بیماری قلبی در ۹۴ سالگی در کوفه به لقاءالله پیوست و در صحن حرم مقدس علوی به خاک سپرده شد. تصاویری از تشییع و خاکسپاری ایشان که بعد از سقوط صدام منتشر شد، حاکی از حضور تعداد کمی از نزدیکان و فضای سنگین امنیتی و حضور نظامیان بعث در داخل حرم در حین تشییع است.

رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی به مناسبت درگذشت این عالم فرزانه، فرمودند: «عمر طولانی و پربرکت این مرد بزرگ که نزدیک به یک قرن امتداد یافت، سرشار از آزمایش‌های الهی و نشانگر سعی و تلاش یک انسان مؤمن و پرهیزگار است. ایشان در بسیاری از علوم اسلامی رایج در حوزه‌های علمیه از اساتید مسلم و کم‌نظیر به حساب می‌آمد. فقیهی بزرگ و اصولی عمیق و مفسری نوآور و رجایی صاحب مکتب و متکلمی زبردست بود.»

با توجه به اهمیت شخصیت کم‌نظیر آیت‌الله العظمی خویی(ره)، جا دارد که کتابهای جامعی درباره حیات علمی و عملی ایشان تدوین شود. اثر حاضر که مشتمل بر شرح زندگانی، خاطرات و اسناد منتشر نشده درباره ایشان است، گامی نسبتاً بلند در این راستاست. این کتاب در بخش‌های زیر تدوین یافته است:

شرح زندگانی، شنیده‌ها و مصاحبه‌ها، خاطرات به قلم دیگران، درآینه کتاب، درآینه نشریات خارجی، مؤسسات، مراکز و مدارس خیریه، دوران بیماری معظم‌له، اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌های آیات عظام و مراکز علمی و فرهنگی و حوزوی بعد از فوت، اشعار سروده شده در سوگ ایشان، در آینه اسناد، نظر علمای عالیقدر، اجازات اساتید، مکاتبات با دیگران درباره امور فرهنگی، مکاتبات و انقلاب اسلامی ایران، مکاتبات با آیات عظام، مکاتبات خارجی، نمونه‌هایی از استفتانات، آیت‌الله خویی و خاندانش.

نویسنده در این کتاب کوشیده از لابلای کتابها و مجلات و مکاتبات و سخنان بعضی از بزرگان، عظمت، شخصیت، علمیت، معرفت، شاگردپوری، تألیفات آن مرجع بزرگ را بررسی

روایت فتح منتشر کرد

۱۰۰ خاطره از فردی که به «شیخ حزب‌الله» معروف بود

«شکست دادن ارتش اسرائیل» که روزی آرزوی ارتش‌های عربی بود محقق شده بود و حالا، آرزوی «آزادی فلسطین» بود که پا گرفته بود.

عماد مغنیه یکی از آن جوانان بود که نقش اساسی در پیروزی‌های بعدی مقاومت در جنوب لبنان داشت؛ چه آزادی غرورآفرین جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ و چه شکست تحقیرآمیز صهیونیست‌ها در جنگ ۳۳ روزه.

بیست و پنج سال، قویترین سرویس‌های جاسوسی دنیا، تمام تلاششان را برای ترور یا اسارت عماد کردند؛ تلاشی که همیشه ناکام می‌ماند و همین، عماد را در نظرشان تبدیل کرده بود به یک «شیخ»؛ شیخ حزب الله.

صد خاطره این کتاب، تلاشی است برای کنار زدن پرده‌ها از تصویر عماد مغنیه؛ پرده‌هایی که هنوز به طور کامل کنار نرفته‌اند و کنار نخواهند رفت؛ مگر بعد از تحقق بزرگترین آرزوی عماد؛ یعنی نابودی اسرائیل.

شمع همیشه فروزان
خاطرات و اسناد منتشر نشده درباره آیت‌الله العظمی سید ابوالقاسم خویی(ره)

به کوشش و نگارش: محمدتقی انصاریان خوانساری
انتشارات انصاریان، قم

چاپ اول: ۱۳۹۶

۱۳۰۴ ص ۶۰ هزار تومان

درباره این کتاب: مرجع عالیقدر، مفسر قرآن، و محقق تأثیرگذار و شاگردپرور معاصر، مرحوم آیت‌الله‌العظمی سید ابوالقاسم موسوی خویی (۲۸ آبان ۱۲۷۸-۱۷ مرداد ۱۳۷۱) علوم مقدّماتی را تا ۱۳سالگی در زادگاهش خوی آموخت. در سال ۱۳۳۰ق به نجف رفت و از علمای بزرگوار ی چون: شریعت اصفهانی، مهدی مازندرانی، آقا ضیاء عراقی، مرتضی طالقانی، کمپانی، میرزای نائینی، بلاغی نجفی، عبدالهادی شیرازی، بادکوبه‌ای، سید ابوالقاسم خوانساری و تا حدودی قاضی طباطبایی درس آموخت.

ایشان طی چند دهه اقامت در نجف اشرف، شاگردان فراوانی پرورد که از نام‌آورترین ایشان می‌توان یاد کرد از حضرات آیات: بهجت، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی، سیستانی، مکارم شیرازی، موسوی اردبیلی، روحانی، صادقی تهرانی، شهید محمدباقر صدر، امام موسی صدر، میرزا علی فلسفی، غضنفری خوانساری، موحد ابیطحی، حسینی زنجانی، مجتبی تهرانی، علامه جعفری، علامه تهرانی، علامه فضل الله، دکتر ابوالقاسم گرجی و...

از آثار علمی ایشان است: نفحات الاعجاز، البیان فی تفسیر القرآن، معجم رجال الحدیث، اجود التقریرات، تکملة منهج الصالحین، مبانی تکملة منهج الصالحین، رساله در خلافت، قصیده در مدح امیرالمؤمنین(ع)، فقه القرآن علی المذاهب الخمس و...

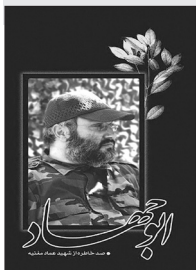
با همه فعالیت‌های علمی و تحقیقی، ایشان اهتمام زیادی در احداث مراکز اجتماعی همچون کتابخانه، مدرسه، مسجد، حسینیه، خوابگاه، درمانگاه، بیمارستان، مؤسسه خیریه و دارالایتم داشتند؛ از جمله: مکتبه و دارالعلم نجف؛ مؤسسه، بیمارستان، درمانگاه خیریه و سرای سالمندان خوی؛ مدینه‌العلم و کتابخانه در قم؛ مدرسه و کتابخانه در مشهد؛ دارالعلم و مجتمع امام زمان(ع) در اصفهان؛ احداث مرکز اسلامی در نیویورک، لوس آنجلس، دیترویت، لندن، سوانزی، فرانسه، بیروت، مونترال، مجمع فرهنگی بمبئی، مرکز فرهنگی و انتشاراتی کراچی، دانشگاه علوم دینی اسلام‌آباد، مرکز فرهنگی کوآلالمپور مالزی، دارالعلم و مدرسه دینی بانکوک؛ دارالزهرای یتانولخ، مدرسه دینی داکا و...

کتاب «ابوجهاد» صد خاطره از شهید حاج عماد مغنیه از سوی انتشارات روایت فتح روانه بازار کتاب شد.

«ابوجهاد» صد خاطره از شهید عماد مغنیه» جلد سی و یکم مجموعه یادگاران است که به تازگی به کوشش انتشارات روایت فتح منتشر و روانه بازار کتاب شده است.

در مقدمه این کتاب می‌خوانیم: «چهاردهم ماه مه سال ۱۹۴۸؛ روز تأسیس دولت جعلی اسرائیل بود؛ روزی که فلسطینی‌ها اسمش را گذاشتند «روز نکبت». از آن روز به بعد، شکست پشت شکست بود که برای فلسطینی‌ها می‌آمد و پیروزی پشت پیروزی برای صهیونیست‌ها. آن قدر که ارتش اسرائیل به «ارتش شکست ناپذیر» معروف شده بود.

چند دهه بعد، در لبنان اما ورق برگشت. این بار پیروزی‌های بی در پی نه نصیب صهیونیست‌ها، که نصیب جوانان حزب الله لبنان می‌شد. حالا،



در بخشی از این کتاب آمده است: «کل روز را کار کرده بودیم. خسته و کوفته برگشته بودیم محل اقامتمان که حاج عماد به من گفت: «فیلم

آخرین سامورایی را دیدی یا نه؟» گفتم «نه، فیلم خوبیه؟» فیلم را داخل ویدئو گذاشت و با هم دیدیم. تا جایی که وقت می‌کرد فیلم‌های روز دنیا را دنبال می‌کرد. حتی یکی از دوستان نزدیکش می‌گفت «اگر عماد نظامی نبود و وارد کار فیلمسازی می‌شد، یکی از بهترین کارگردان‌های لبنان می‌شد.» مسئولیت‌ها و کارهایش را که می‌شنیدی فکر می‌کردی با یک نظامی خشک و خشن یا یک شخصیت امنیتی بی‌عاطفه روبرو می‌شوی، ولی وقتی از نزدیک می‌شناختی‌اش، تعجب می‌کردی که اصلاً چنین شخصیتی، چرا رفته و نظامی شده؟»